

Analysis of the Pahlavi Regime's Governance in the Intellectual System of Ayatollah Khamenei

Saeed Ghorbani Taze-Kandi¹

Abstract

Government based on principles and foundations can be divided into monotheistic and non-monotheistic. The state of societies also finds different themes in accordance with the governance defined in economic, cultural, political and military terms. In this study, the governance of the Pahlavi regime will be analyzed. The Pahlavi government, due to its adoption of non-Islamic governance and its focus on a purely Iranian model in a false form, the implementation of a foreign identity and the implementation of the principles of the system of domination in Iran, had caused Iran to lag behind in its development in various aspects. Each of the thinkers of the Islamic world has different opinions regarding governance and the type of governance, which there is no room for interpretation and analysis in this article. Therefore, in this article, the author seeks to examine and analyze the criticisms of Ayatollah Khamenei, as a reference and thinker of the Islamic world, of the type of governance defined in the Pahlavi regime. In this article, the method of content analysis and the four-facet model of insight-belief, cultural-social, political-security and economic have been used. The main question of the research is what are the disadvantages and shortcomings of the defined governance of the Pahlavi regime in the eyes of Ayatollah Khamenei? The findings of the research are that from the perspective of Ayatollah Khamenei, the disadvantages of the governance of the Pahlavi regime have their roots in the authoritarian and colonial dimension, which has caused damage to national interests and national identity in all historical, military, political, social, economic and cultural contexts.

Keywords: Ayatollah Khamenei, governance, Pahlavi regime, criticism, thought

1. Assistant Professor, Institute of Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran
s.ghorbani@ihcs.ac.ir

واکاوی وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی در نظام فکری

آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

سعید قربانی تازه‌کندی^۱

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

چکیده

حکمرانی بر اساس اصول و مبانی، به توحیدی و غیر توحیدی قابل تقسیم است. وضعیت جوامع نیز متناسب با حکمرانی تعریف شده از لحاظ اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی درونمایه‌های گوناگونی پیدا می‌کند. در این پژوهش حکمرانی رژیم پهلوی مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. حکومت پهلوی به دلیل اتخاذ حکمرانی غیر اسلامی و توجه بر الگوی صرفاً ایرانی به شکل کاذب و پیاده‌سازی هویت بیگانه و اجرایی‌سازی منویات نظام سلطه در کشور، ایران در مسیر رشد را دچار عقب‌افتادگی در ابعاد گوناگون آن کرده بود. هر یک از متفکران جهان اسلام در رابطه با حکمرانی و نوع حکمرانی نظرات گوناگونی دارند که در این مقال مجالی برای تفسیر و تحلیل نیست؛ بنابراین در این مقاله، نویسنده دنبال آن است که نقدهای آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به‌عنوان مرجع تقلید و متفکر جهان اسلام، را نسبت به نوع حکمرانی تعریف شده در رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. در این نوشتار از روش تحلیل مضمون و الگوی چهاروجهی بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی بهره گرفته شده است. سؤال اصلی پژوهش این است که معایب و نقص‌های حکمرانی تعریف شده رژیم پهلوی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چیست؟ یافته‌های پژوهش این است که از دیدگاه ایشان، معایب حکمرانی رژیم پهلوی ریشه در بعد استبدادی و استعماری دارد که در تمامی بسترهای تاریخی، نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب خسارت در منافع ملی و هویت ملی شده است.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، حکمرانی، رژیم پهلوی، نقد، اندیشه.

۱. استادیار، پژوهشکده علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

مقدمه

رهبری و حکمرانی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل مبتلا به جوامع اسلامی به‌ویژه در عصر غیبت است؛ امری که از سده‌های قبل تاکنون مورد نظریه‌پردازی بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است (موسوی جشنی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۲۴). از سوی دیگر، بنیان حکمرانی، بر اساس مبانی حکمرانی و مبانی حکمرانی، تشکیل‌دهنده اصول حکمرانی است؛ بنابراین مبانی حکمرانی نقش اصلی در مشخص کردن شیوه حکمرانی دارد (فرزندی و عارفی، ۱۴۰۳: ۱۰). اصطلاح حکمرانی با تعاریف متعددی روبه‌رو است به‌گونه‌ای که نهادها، مؤسسات و افراد گوناگون بر اساس دیدگاه‌های خود حکمرانی را تعریف کرده‌اند. این تفاوت در تعاریف، بیشتر حول ادراک از نقش حکومت به‌وجود می‌آید. حکمرانی مفهومی است که اکنون رایج است؛ اما قدمتی به‌اندازه تاریخ بشریت دارد، با وجود این، هیچ تعریف مورد اجماعی در مورد حکمرانی وجود ندارد (صمدی میارکلائی، ۱۴۰۱: ۴۱). حکمرانی موضوعی است که به چگونگی تعامل دولت‌ها و دیگر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، چگونگی ارتباط آن‌ها با شهروندان و چگونگی اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده مربوط است و درواقع فرایندی است که از طریق آن، جوامع یا سازمان‌ها تصمیمات مهم خود را در ارتباط با اشخاص عادی یا در رابطه با همدیگر اتخاذ، و مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند (احمدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۳). حکمرانی به مفهوم اداره هر جامعه و کشوری برای دستیابی به اهدافی است که آحاد مردم به‌دنبال آن هستند تا زندگی امن و مناسبی داشته باشند. طبیعی است بدون ایجاد ساختارهای حکومتی مناسب و کارآمد، امکان تحقق حکمرانی وجود ندارد؛ بنابراین حکمرانی تنها یک تعریف منطقی و معقول دارد و آن نهایت بهره‌برداری حاکمیت از آنچه در کشور امکان دارد و آنچه واقعیت جهان است تا بتوان زندگی بهتری برای شهروندان فراهم آورد (علایی، ۱۴۰۳: ۱۸۴).

در این پژوهش نویسنده در پی آن است که وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی را از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد نقد و بررسی قرار دهد. بنا بر پیش‌گفته، حکمرانی ایجادشده ناشی از مبانی و اصول تراوش‌یافته در ذهنیت طراحان و بانیان آن است. بنا بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، در دوره رژیم پهلوی دو مقوله استبداد و نظام سلطه در طرح‌ریزی نظام حکمرانی رژیم پهلوی نقش داشت و نظام استبدادی به‌نوعی تداعی‌کننده و مجری نقشه‌های ترسیم‌شده نظام سلطه در سرزمین پهناور ایران بود. حکمرانی شکل‌گرفته در دوران حکومت پهلوی نیز تجلی‌یافته مبانی هویتی نظام

سلطه و ملی‌گرایی ظاهری و کاذب بود. به‌نوعی حکومت پهلوی به‌منظور مشروعیت‌بخشی به ساختار و اسکلت‌بندی حکمرانی خود نیازمند تأیید بود که توجه صرف به‌ظاهر ملی‌گرایی و در حقیقت پیاده‌سازی هویت فرهنگی غرب و نظام سلطه می‌توانست تأمین‌گر این مسئله باشد. در این مطالعه، پژوهشگر به‌دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که نقدهای آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، به‌عنوان رهبر نظام اسلامی، بر حکمرانی رژیم پهلوی چیست؟ فرضیه پژوهش این است که نظام حکمرانی تعریف‌شده در رژیم پهلوی، نظام حکمرانی معیوب و جائز بوده است که در راستای هویت فرهنگی بیگانه و به‌دور از هویت ایرانی و مردمی قرار داشت و تأمین‌کننده خواسته‌های نظام استبدادی و نظام سلطه بود.

تعریف مفاهیم پژوهشی

حکمرانی

حکمرانی به‌طور انتزاعی به تمام فرایندهای اداره اطلاق می‌شود که تمرکز بر نهادهای رسمی دولت را کم‌رنگ می‌کند. این مسئله از طریق به رسمیت‌شناختن فعالیت‌هایی متنوع‌تر انجام می‌شود که از میان‌برنده مرز حکومت و جامعه است. واژه حکومت به تمام ساختارها، نهادها و سازمان‌های دولتی اشاره می‌کند که به‌طور رسمی مسئول تنظیم خط‌مشی‌های عمومی و ارائه خدمات به جامعه هستند. به‌عبارت دیگر حکومت دربرگیرنده تمامی سازمان‌ها و نهادهای بخش عمومی است و تمامی قوای تفکیک‌شده و سازمان‌های متبوع آن‌ها را در بر می‌گیرد. در این میان کسانی که حکمرانی داخلی و خارجی را در یک حکومت و بر یک حکومت اعمال می‌کنند، حکمرانان آن حکومت به‌شمار می‌آیند (سواری و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۰۲). به‌عبارت دیگر، حکمرانی، فرایند راهبری تعامل نظام‌مند کنشگران (حکومتی/ غیرحکومتی) در قلمرو (فراملی، ملی و فروملی) از طریق خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری و بازتوزیع برای تسهیل‌گری و ارائه خدمات عمومی به‌منظور تحقق اهداف جمعی (مشترک بین کنشگران حکومتی و غیر حکومتی) با اعمال قدرت مشروع در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های آن قلمرو است (عالی و دیگران، ۱۴۰۳: ۶۴).

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب ایده‌ای است که به‌دنبال ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه مطرح شد. درواقع این فکر به‌دنبال آن است که دولت‌ها و به‌طور کلی ساختار اداری و سیاسی را به سمتی هدایت کند

که کمترین فساد و آسیب‌های درونی که معمولاً سبب تضعیف دستگاه‌های مدیریتی و سیاسی می‌شود بروز کند (مرشدی زاد، ۱۳۹۶: ۱۲۵).

حکمرانی مطلوب

حکمرانی مطلوب را می‌توان تحقق و استقرار الگویی از حکمرانی در راستای ارتقای کیفیت زندگی افراد از طریق بهبود نظام سیاسی هر کشوری با تحول در تفکر و ویژگی‌های رفتاری و ماهوی دولت‌ها تعریف کرد. بر این اساس، حکمرانی مطلوب، اساساً ماهیتی تکامل‌جو و کمال‌طلب دارد و ماهیت تکامل‌خواهی آن سبب می‌شود تا این نوع حکمرانی، عاملی برای تغییر و تحول، شکل‌دادن به تحول و نیز عاملی به‌منظور تکاپو برای محقق‌سازی اندیشه‌های تحول‌جویانه در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اداری و... در یک کشور باشد. در حکمرانی مطلوب، بیشترین اراده و مساعی روی دو نوع قدرت مصروف می‌شود، قدرت مبتنی بر دانش و معرفت و قدرت مبتنی بر ذات ماهوی مدیریت. در این حالت قدرت علمی مولد دگرگونی در مبانی تولید، ثروت و افزایش دانش و دانایی است و قدرت مدیریت برای برداشتن هر نوع مانعی که برای دستیابی عموم مردم به این ثروت و دانایی مورد استفاده قرار می‌گیرد (نقیبی مفرد، ۱۳۹۵: ۹۸).

حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی عبارت است از اتخاذ و اجرای سیاست‌های متکی بر سعادت‌محور بودن و توجه به هر دو بعد و ساحت انسان (مادی و معنوی) در راستای ایجاد جامعه‌ای مناسب برای رشد و تکامل همه‌جانبه انسان و با رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسان‌ها و پرهیز از سلطه‌گری ناروا و ابتنا بر قسط و عدل و نفی هرگونه ظلم و ستم، استبداد، استثمار، استبعاد و درنهایت اجرای حدود الهی در جامعه در سطوح داخلی و خارجی (امینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۳۲). در تعریف دیگری از حکمرانی اسلامی آمده است: فرایند تصمیم‌گیری و اجرای قوانین دین اسلام در جامعه، توسط معصومان و نایبان بر حق آنان به‌منظور رفاه، آسایش و تکامل دنیوی و سعادت اخروی انسان‌ها (فرزندی و عارفی، ۱۴۰۳: ۱۳).

حکمرانی معیوب

در نظام حکمرانی معیوب، حکمرانان خود را دارای حق حاکمیت بر دیگران می‌پندارند و قاعده «الحق لمن غلب» مبنای حکمرانی است. مردم در نوع مدیریت امور کشور و فراز و فرود و ظهور و سقوط حاکمان نقش چندانی ندارند. حکمرانی معیوب به آزادی‌ها و حقوق شخصی انسان‌ها باور ندارد. حاکم اصلی از طریق دایره بسیار محدود گزینشی از افراد وفادار و مطیع، حکومت می‌کند.

همین امر سبب تمرکز قدرت در دست حاکم، ایجاد فساد و بحران مشروعیت و سبب بی‌ثباتی حکومت می‌شود. رابطه حاکم با مردم مبتنی بر اجبار و زور تعریف شده است و اراده مردم نادیده گرفته می‌شود و حقوق مردم، محلی از اعراب ندارد (علایی، ۱۴۰۳: ۱۸۸).

در این پژوهش، مفهوم حکمرانی اسلامی به‌عنوان مطلوب‌ترین حکمرانی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در نظر گرفته شده است که تأمین‌کننده حیات بشری و سعادت بشری در بستر دنیا و آخرت است و در برابر آن حکمرانی معیوب و بد و مبتنی بر قدرت و زور قرار دارد که تنها به تلذذ دنیا توجه دارد و کرامت حقیقی انسان و رفاه مردم و عدالت، محلی از اعراب ندارد.

پیشینه پژوهش

با مطالعاتی که در بخش مقالات، کتاب‌ها و رساله‌ها در زمینه عنوان پیش‌گفته به‌عمل آمد، نتیجه اینکه در ارتباط با حکمرانی مطلوب، حکمرانی اسلامی و حکمرانی معیوب مقالات گوناگونی با بهره‌گیری از روش‌های مختلف پژوهشی نوشته شده است و نویسندگان به اهدافی دست یافته‌اند. لکن در زمینه عنوان انتخاب‌شده که قرار است به‌نوعی نقدهای آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر و متفکر جهان اسلام در آن تشریح و واکاوی شود، اثری دیده نشد. در این نوشتار تلاش پژوهشگر بر این است که از روش تحلیل مضمون استفاده کند.

چند مورد از سوابق پژوهشی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

علایی در مقاله «تفاوت‌های حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب» به تفاوت‌های بین حکمرانی مطلوب و حکمرانی معیوب پرداخته است. ذوالفقاری در مقاله «تبیین و تحلیل حکمرانی خیر و حکمرانی شر» به تفاوت‌های بین حاکمیت خیر و حاکمیت شر توجه کرده است. فرقانی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «مؤلفه‌های حکمرانی بد در قرآن؛ مطالعه موردی: مؤلفه‌های حکمرانی فرعون در بیان قرآن»، مؤلفه‌های حکمرانی بد را از دیدگاه قرآن کریم مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. رحیمی عماد در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نظریه حکمرانی خوب در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، مطالعه موردی: حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲» و سواره در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی علل فروپاشی حکومت‌ها و ارتباط آن با نوع حکمرانی؛ مورد مطالعه: سقوط محمدرضا شاه پهلوی»، بخشی از حکمرانی رژیم پهلوی را بررسی کرده‌اند.

در این پژوهش قرار است وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گیرد که در این زمینه کار پژوهشی انجام نشده است.

تقسیم‌بندی وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی: الگوی محقق‌ساخته

تلاش بر این است که با استفاده از چهار رویکرد بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی معایب حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تحلیل شود.

الف) رویکرد بینشی - اعتقادی

منظور از رویکرد بینشی - اعتقادی این است که حکمرانی نظام پهلوی برخلاف مبانی و اصول نهفته در ایران شکل گرفت و بر ملت پیاده‌سازی شد. ایران مزین به دین اسلام و هویت ایرانی بود؛ بنابراین باید بینش و اعتقاد و مبانی حاکم بر حکمرانی بر اساس بینش ملی و دینی شکل می‌گرفت، اما در عمل و ظاهر ملی‌گرایی کاذب با درونمایه فرهنگ بیگانه بر هویت دینی سبقت گرفت و به‌نوعی ضدیت با هویت اسلامی در این رژیم نهادینه شد.

ب) رویکرد فرهنگی - اجتماعی

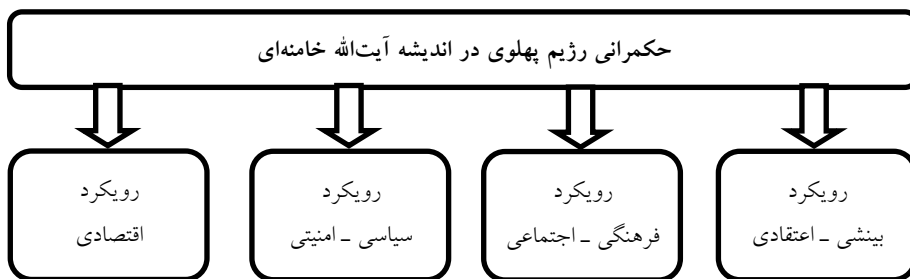
منظور از رویکرد فرهنگی - اجتماعی این است که حکمرانی فرهنگی و اجتماعی نظام پهلوی بر اساس هویت بومی و ایرانی شکل نگرفته است و داشته‌های نظام سلطه و بیگانه بر داشته‌های داخلی و بومی اولویت پیدا کرده، و به‌نوعی منابع خودی در مسیر خودتحمیلی قدم گذاشته است و ریل‌گذاری حکمرانی فرهنگی و اجتماعی در مسیر فرهنگ بیگانه بوده است (قربانی، ۱۴۰۳: ۹۴).

ج) رویکرد سیاسی - امنیتی

منظور از رویکرد سیاسی - امنیتی این است که بر اساس داشته‌های بومی و ملی قرار است حکمرانی سیاسی به نفع سعادت دنیا و آخرت مردم تعریف و عملیاتی شود؛ لکن آنچه از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای بر می‌آید نظام حکمرانی سیاسی رژیم پهلوی در این زمینه، با توجه به آسیب‌هایی که در قسمت سیاسی - امنیتی مورد بحث گذاشته خواهد شد، معیوب بوده، و نتوانسته است بر اساس مبانی نهفته در کشور تعریف و عملیاتی شود (قربانی، ۱۴۰۳: ۹۱).

د) رویکرد اقتصادی

حکمرانی اقتصادی یکی دیگر از عرصه‌هایی است که بنا بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، رژیم پهلوی نتوانسته است موفق ظاهر شود و به‌دلیل استبداد شدید و نبود متخصصان داخلی برای رشد اقتصادی و وابستگی شدید اقتصادی و تک‌محصولی بودن و مصرف‌گرایی شدید دچار پسرفت اقتصادی شده است.



شکل ۱. بررسی وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (منبع: مدل محقق ساخته)

روش پژوهش

در این مقاله به‌منظور بررسی معایب حکمرانی رژیم پهلوی از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای داده‌های کیفی است. این روش داده‌ها را سازمان‌دهی و با جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های گوناگون موضوع پژوهش را تفسیر کند (کمالی، ۱۳۹۷: ۱۸۹). تحلیل مضمون، روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. تحلیل مضمون، از شمارش کلمات و عبارات آشکار فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند؛ سپس از شناسه‌های مضمون‌های اصلی برای تحلیل عمیق‌تر داده‌ها استفاده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به‌کار می‌رود؛ البته به‌دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود و به همین دلیل تحلیل مضمون در مقایسه با دیگر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب می‌کند. برخلاف روش‌های تحلیل گفتمان یا تحلیل محتوا، تحلیل مضمون ساده به پژوهشگر اجازه نمی‌دهد درباره زبان استفاده‌شده در متن، ادعاهایی کند. تحلیل مضمون به روش‌های گوناگونی قابل اجرا و استفاده است (درخشه و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۳).

اجرای روش تحلیل مضمون

مراحل روش تحلیل مضمون

بر اساس توضیحاتی که در قسمت روش‌شناسی در ابتدای مقاله ارائه شد، در این قسمت تلاش این است که بر اساس چهار رویکرد متن، مضمون‌های پایه، مضمون‌های فراگیر و مضمون‌های سازمان‌دهنده، معایب حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین شود.

۱. تحویل متن و استخراج مضمون‌های پایه

برای شروع کار تحلیل مضمون‌ها در اندیشه متفکران، لازم است مضمون‌های پایه استخراج شود و نخستین مرحله، تحویل متن است. در این مرحله، نقل‌قول‌های مربوط به آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مربوط به معایب حکمرانی رژیم پهلوی استخراج می‌شود. این مضمون‌ها در شناسه‌هایی سازمان‌دهی می‌شود که با عنوان مضمون‌های پایه‌ای شناخته می‌شود. این مضمون‌ها برای شکل‌گیری مضمون‌های فراگیر لازم است و اگر روند استخراج شناسه‌ها و مضمون‌های عام به‌خوبی انجام نشود، بستر استخراج مضمون‌های فراگیر فراهم نمی‌شود. نقل‌قول‌های استخراج‌شده از متن آثار متفکر مورد نظر، مطالبی را مستقیماً به ذهن متبادر می‌کند که با استخراج مضمون‌های این نقل‌قول‌ها، بسترهای ورود به مرحله دوم فراهم می‌شود (قربانی و طاهرخانی، ۱۴۰۰: ۲۱۱).

۲. تبدیل مضمون‌های پایه به مضمون‌های فراگیر

در مرحله دوم تحلیل مضمون، مضمون‌های پایه‌ای به مضمون‌های فراگیر تبدیل می‌شود. در این مرحله، مضمون‌های سازمان‌دهنده از مضمون‌های استخراج‌شده از مرحله تحویل متن نیز انتزاع می‌شود. اقدام اساسی در این مرحله، سازمان‌دهی دوباره مضمون‌های اولیه برای ارائه مضمون‌های انتزاعی‌تر است که فرصت دستیابی به مضمون‌های اصلی و فراگیر را فراهم می‌آورد. مضمون‌های فراگیر نیز اصلی، مرکزی و جامع‌تر نسبت به مضمون‌های مرحله اول است و امکان توصیف شبکه مضامین را فراهم می‌آورد.

۳. کشف و توصیف شبکه مضمون‌ها

بعد از استخراج مضمون‌های پایه و فراگیر در مرحله اول و دوم تحلیل مضمون، فضای لازم برای توصیف و تشریح مضمون‌های مربوط به معایب حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای فراهم می‌شود. با بررسی مضمون‌های استخراج‌شده و شناسه‌گذاری‌های لازم، شبکه مضامین تشریح و توصیف می‌شود. در انتهای این مرحله، مجموعه مضمون‌های مندرج در جدول‌های تحلیل مضمون به‌صورت تحلیلی ارائه، و نمودار شاخص شبکه مضامین ارائه می‌شود (قربانی و یوسفی، ۱۴۰۲: ۹۵).

تحویل متن و استخراج مضمون‌های پایه و فراگیر

در این بخش، مضمون‌های پایه و شناسه‌های ابتدایی و مضمون‌های فراگیر مربوط به معایب حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای در جدول شماره ۱ ارائه می‌شود تا بسترهای استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده در مرحله بعد فراهم شود.

جدول ۱. تحویل متن و استخراج مضمون‌های پایه و فراگیر معایب حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت‌الله

خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
۱	ملتی که به قدرت خارج از خود وابسته است، خیرات، استعدادها و منابع عظیم انسانی و مادی ملت در راستای خواست آن قدرت خارجی مصرف می‌شود، نه در راه خیر ملت. شخصیت‌ها و افراد دلسوز و علاقه‌مند این ملت‌ها، یا منزوی، و یا به‌وسیله نظام و رژیم وابسته نابود می‌شوند. منابع نفت، گاز و معادن زیرزمینی دیگر نیز اگر استخراج شود، به صلاح و خیر قدرتی که به آن وابسته است، مصرف می‌شود. دوستی، دشمنی و موضع‌گیری جهانی ملت به تبع میل و خواست قدرتی است که به آن وابسته است؛ برای یک ملت، بدبختی‌ای از این بیشتر نیست. کشور ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، کشوری وابسته بود. این وابستگی، به‌ویژه در پنجاه‌وچند سالی که نظام منحوس و فاسد پهلوی بر سر کار بود، به اوج خود رسیده بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۳/۱۴).	- توانمندی‌ها و دارایی‌های ملت در اختیار نظام سلطه - محروم و منزوی شدن افراد دلسوز و توانمند - رژیم پهلوی، محصور در خواسته‌های نظام سلطه - اختیارات مطلق نظام سلطه در ایران پهلوی - نبود استقلال و خودکفایی	وابستگی به نظام سلطه
۲	موسیقی قبل از انقلاب، از لحاظ ارزشی، سه عیب عمده داشت: یکی این بود که در بخشی از موسیقی‌ها، در انتخاب مضمون و قالب، گرایش تند و میل شدیدی به ابتذال بود. قالب‌های موسیقی و زبان شعر، هر دو ایرانی بود؛ اما این تصنیف‌ها، هم از لحاظ محتوا و هم از لحاظ فنی مبتذل بود؛ به‌طوری‌که وقتی یک موسیقیدان می‌دید آهنگ را این‌گونه می‌شکنند و خراب می‌کنند و از این وسایل، بد استفاده می‌شود و در شکل‌های نامناسبی، از این و آن تقلید می‌کنند، ناراحت بود. پس، میل به ابتذال وجود داشت؛ مثل خیلی از تصنیف‌هایی که در آن وقت رایج بود. عیب دوم اینکه گرایش شدیدی به موسیقی غربی بود. عیب سوم این بود که موسیقی سالم و سنتی و فنی کلاسیک ایرانی، در خدمت محتواهای بد و فاسدکننده قرار می‌گرفت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۱۴).	- مضمون و قالب شعر در انحصار ابتذال و بی‌پندوباری - گرایش به موسیقی نظام سلطه - موسیقی کلاسیک ایران در خدمت محتوای فاسد غرب	ابتذال موسیقی در قالب و محتوا
۳	این [متکی شدن اقتصاد به نفت] خشت کجی است که در زمان رژیم پهلوی گذاشته شده است. آن جوانانی که نمی‌دانند رژیم گذشته با این کشور چه کرده است، بدانند یکی از ده‌ها کار خیانت‌آمیزی که کردند، این است. اقتصاد این کشور را متکی به نفت کردند که به‌آسانی هم نمی‌شود آن را تغییر داد و دگرگون کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱/۱).	- اتکا به محصول واحد - اقتصاد تک‌محصولی خیانت رژیم پهلوی - توجه نکردن به ظرفیت‌های تولیدی کشور	تک‌محصولی بودن

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
۴	قبل از انقلاب، کشور از لحاظ سیاسی وابسته بود؛ یعنی حکومت، چه خود محمدرضا، چه دستگاه‌های گوناگون، مطیع امریکا بودند؛ منتظر اشاره امریکا بودند. برای انتخاب نخست‌وزیر، شاه مملکت، رئیس کشور محتاج موافقت و رضایت امریکا بود! در بسیاری از مسائل، شاه سفیر امریکا و سفیر انگلیس را به کاخ خود دعوت می‌کرد تا تصمیمی را که می‌خواهد بگیرد، با آن‌ها در میان بگذارد. اگر آن‌ها مخالف بودند، تصمیم عملی نمی‌شد. وابستگی سیاسی یعنی این. مطیع امریکا بودن؛ قبل از دوره‌ی امریکا هم مطیع انگلیس (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵).	- مطیع اوامر و خواسته‌های نظام سلطه - تمام اقدامات داخلی کشور با تأیید و نظر نهایی نظام سلطه	مطیع اوامر نظام سلطه
۵	زندگی از لحاظ سیاسی، زندگی سختی بود؛ یعنی زندگی سیاسی بسیار زندگی سختی بود. خفقان بود و آزادی نبود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).	- حاکمیت شرایط سخت زندگی سیاسی - خفقان و نبود آزادی	خفقان شدید سیاسی
۶	در کشور ما استبداد همیشه به پشتیبانی قدرت‌های سلطه‌گر خارجی متکی بوده است. استبداد و دیکتاتوری و خودکامگی حکومت پهلوی و قبل از آن به شکل دیگری حکومت قاجار، به‌خاطر اتکای آن‌ها به قدرت‌های بیگانه بود. رضاخان، متکی به انگلیس؛ محمدرضا، اول متکی به انگلیس و بعد متکی به امریکا بود. او منافع و نفوذ امریکا را بر طبق میل آن‌ها تأمین می‌کرد؛ آن‌ها هم از او حمایت می‌کردند و هر کاری می‌خواستند، با این کشور و این ملت می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴).	- حاکم بودن استبداد در رأس حاکمیت - پشتیبانی نظام سلطه از حکومت استبدادی - اتکای قدرت‌های استبدادی پهلوی به نظام سلطه	استبداد و استعمار
۷	پنجاه سال این ملت را زیر فشار اختناق نگه داشتند و پیشرفت علمی و صنعتی و فرهنگی و اخلاقی او را در دورانی که از لحاظ جهانی بهترین و آماده‌ترین دوران‌ها برای این پیشرفت بود، متوقف کردند و این ملت و این کشور را عقب نگه داشتند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۳/۱۴).	- عقب‌ماندگی شدید علمی در دوران پهلوی - بی‌توجهی و عدم اهتمام و سد راه علم شدن - توقف و زوال علمی	عقب‌ماندگی شدید علمی و صنعتی
۸	حرف سردمداران سیاست امریکا با ملت یک کلمه است؛ آن‌ها می‌گویند: ای ملت ایران! آن چیزی را که انقلاب شما از ما گرفته است، آن را به ما برگردانید. آن‌ها می‌گویند قبل از انقلاب ما بر کشور شما سیطره اقتصادی، سیاسی و فرهنگی داشتیم؛ رئیس کشور شما برای تصمیم‌های بین‌المللی‌اش از سفیر ما اجازه می‌گرفت. این واقعیتی است. در قضیه نفت، معاملات بین‌المللی، روابط گوناگون سیاسی دیپلماسی و حتی در نوع برخورد با مردم، شاه پهلوی ملعون برای اقدامات خود با سفیر امریکا و سفیر انگلیس مذاکره می‌کرد. آنچه را آن‌ها می‌خواستند و می‌پسندیدند، این‌ها اجرا می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۱).	- سیطره سیاسی نظام سلطه بر ایران - نبود اختیارات در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی - اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی بر اساس مطابقت با منویات نظام سلطه - سرافکندی سیاسی	سیاست خارجی ذلیلانه
۹	یک روز به جامعه ما این‌جور تفهیم کرده بودند که راه پیشرفت این است که ما از غربی‌ها تقلید کنیم؛ آن هم نه تقلید در دانش‌آموزی و دانش‌اندوزی؛ تقلید در ظواهر؛ زن‌هایمان بی‌حجاب	- مسیر پیشرفت تقلید صرف از ظواهر غرب	تقلید در ظواهر

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	باشوند؛ مردهایمان کلاه فلان‌جور و لباس فلان‌جور بپوشند. انواع و اقسام لباس‌هایی که در داخل کشور - لباس‌های محلی - پوشیده می‌شد، همه منسوخ و ممنوع شد؛ برای اینکه لباس متحدالشکل از غرب آمده، پوشانده بشود. برای چی؟ برای پیشرفت! پیشرفت کشور را در این دانستند که مردم ما کت‌وشلوار بپوشند، کروات ببندند، زن‌های ما بی‌حجاب حرکت بکنند؛ رسوم و عادات غربی را یاد بگیرند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۷/۷).	- توجه به بی‌حجابی اجباری برای پیشرفت - مزین‌شدن زنان و مردان ایرانی به رسوم بیگانه - افتخار به رسوم بیگانه و تحقیر رسوم خودی	
۱۰	ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت می‌کرد؛ خودکم‌بینی احساس می‌کرد؛ از جنگ‌های دوران قاجار بگیرد و آن شکست‌های سخت و از دست‌دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس‌کشیدن به کسی داده نمی‌شد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور امریکائی‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم می‌کردند، مردم احساس می‌کردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آن‌ها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این‌جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید؛ در صنعت تقلید کنید؛ در فرهنگ تقلید کنید؛ در لباس تقلید کنید؛ در خوراک تقلید کنید؛ در حرف‌زدن تقلید کنید. حتی کار را به‌جایی رساندند که یک‌وقتی گفتند باید خط فارسی را تغییر بدهیم. ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرئت کنند کسانی بگویند خطت را تغییر باید بدهید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۱۴).	- احساس حقارت و خودکم‌بینی - احساس ناتوانی و پوچی مردم در برابر داشته‌های بومی - از بین‌رفتن روحیه در مردم ایران - کاهش و نابودی استقلال و عزت نفس	خودکم‌بینی و تحقیر
۱۱	از طرفی روشنفکران غرب‌زده که خیلی از آن‌ها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم این‌جور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه هیچ کاری را ندارید؛ باید تقلید کنید. در علم تقلید کنید؛ در صنعت تقلید کنید؛ در فرهنگ تقلید کنید؛ در لباس تقلید کنید؛ در خوراک تقلید کنید؛ در حرف‌زدن تقلید کنید. حتی کار را به‌جایی رساندند که یک‌وقتی گفتند باید خط فارسی را تغییر بدهیم. ببینید چقدر یک ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرئت کنند کسانی بگویند خطت را تغییر باید بدهید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۱۴).	- تلقین ناکارآمدی در مردم - از بین‌بردن روحیه خودباوری در مردم - حضور روشنفکران خودفروخته و بیگانه‌پرست - تقلید کورکورانه و غیر عقلانی	تقلید کورکورانه
۱۲	مملکت را مال خود و مردم را رعیت خود می‌دانستند. در دوران اخیر - یعنی از اواخر دوران قاجار تا همه دوران پهلوی - بر این پدیده یک درد و مرض دیگر اضافه شد و آن وابستگی بود.	- اختیارات مطلق در دستان حاکم مستبد	وابستگی در کنار استبداد داخلی

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	پادشاهان قدیم اگر دیکتاتور بودند، وابسته و گوش به فرمان قدرت‌های بیگانه نبودند؛ اما از اواخر دوران قاجار و همه دوران پهلوی، پادشاهان هم دیکتاتور بودند و هم وابسته! این شد بیماری مضاعف نظام سیاسی حاکم بر ایران در دوران گذشته. همین دیکتاتوری و وابستگی بود که کشور ما را عقب‌مانده نگهداشت؛ منابع و ثروت‌های طبیعی ما را به کام دشمنان داد و مانع رشد و پیشرفت فکری و علمی ملت ما شد و ما که یک روز در دنیا پرچمدار علم بودیم، در یوزه‌گر دانش - آن‌هم نقاط ضعیف و کم‌اهمیت و پس‌مانده‌های دانش دیگران - شدیم و دست نیاز به سمت دیگران دراز کردیم! آن‌ها هم هر وقت خواستند، چیز کمی کف دست ما گذاشتند؛ هر وقت هم نخواستند - که غالباً هم نخواستند - منع کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۲/۱/۲۴).	-مردم به‌عنوان رعیت صرف نظام حاکم -هم‌داستانی استبداد و وابستگی -تضعیف ایران با همراهی استبداد و استعمار	مضمون‌های فراگیر
۱۳	قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور ما جزئی از مجموعه امپراتوری آمریکا در این منطقه محسوب می‌شد و خیلی هم وفادار به آمریکا بود. سیاست‌های آمریکا در ایران و به‌وسیله این کشور، در هرجایی که در آن دستی داشت، اعمال می‌شد. ثروت‌های ملی به‌صورت رایگان در اختیار آمریکا بود. عناصر سیاسی، دولت، مجلس فرمایشی و نمایی و دستگاه قضائی وابسته آن روز، همه در اختیار اراده‌ی آمریکایی‌ها بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۸/۱۳).	- ایران در اختیار مطلق نظام سلطه - وفاداری نظام استبدادی در ایران به نظام سلطه - فرمایشی بودن نهادهای مستقر در کشور - همه منابع و دارایی‌ها در اختیار اراده نظام سلطه	وابستگی شدید
۱۴	رژیم پهلوی - رژیم طاغوت - اصرار داشت که محیط دانشگاه را آلوده کند؛ برای اینکه در آنجا، تفکرات صحیح پا نگیرد. یا گرایش‌های چپ در دانشگاه رواج داشت. البته از آن‌طرف گرایش‌های اسلامی هم رواج داشت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۵).	- آلوده و فاسد بودن محیط دانشگاه - جلوگیری برای شکل‌گیری تفکر صحیح و اسلامی - تلاش برای گسترش تفکرات انحرافی	آلوده‌بودن محیط علم و تفکر
۱۵	نتیجه این شد که در دوران مشروطیت و بعد از استقرار آن، روشنفکرهای درجه اول ما عقیده‌شان این شد که اگر ایران بخواهد پیشرفت کند، باید از فرق سر تا پا غربی کامل بشود! این، یعنی تقلید محض. همین‌طور هم عمل کردند و این روند تا حکومت پهلوی ادامه داشت. حکومت پهلوی آمد این را برنامه‌ریزی کرد تا با سرعت بیشتری این کار انجام بگیرد. به آن مقداری که در دوره قاجار بود، قانع نبودند. پهلوی را برای این سر کار آوردند؛ چند تا روشنفکر دست‌نشانده مورد اعتماد خودشان از ایرانی‌های تحت تأثیر غرب را هم به‌عنوان عناصر فرهنگی، دور و بر آن گذاشتند تا همین کار را بکنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۸).	- ظاهرگرایی و تقلید از مظاهر نظام سلطه - مشروط‌کردن ایران به تقلید از ظواهر - تقلید غیرهوشمندانه و غیرعقلانی از مظاهر بیگانه - روشنفکران دست‌نشانده برای تبلیغ مظاهر غرب	ظاهرینی و توجه نکردن به باطنیات
۱۶	ملت ایران در طول قرن‌های متمادی تحقیر شده بود. یک مدت به‌وسیله سلاطین مستبد تحقیر می‌شد؛ یعنی در دوران‌های قدیم که	- تحقیر ملت ایران و بی‌اعتنایی به جایگاه مردم	بی‌اعتنایی به جایگاه ملت

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	هنوز استعمار و سلطه و نفوذ خارجی نبود، پادشاهانی بودند؛ بعضی مقتدر، بعضی هم ضعیف و بی‌کفایت؛ اما بدون استثنا همه آن‌ها این ملت را تحقیر می‌کردند. در دوره دیگری هم که تقریباً بعد از مشروطیت شروع شد، این تفکر به کلی برنفتاد و تا آخر دوران سلطنت وجود داشت. مثلاً سلاطین پهلوی کشور را متعلق به خودشان و خود را مالک کشور و صاحب سرنوشت این ملت می‌دانستند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۱۱/۲۱).	- احساس تملک پادشاهان بر ملت - مردم در اختیار خواسته‌های بی‌انتهای پادشاه	
۱۷	میهمانی‌های پرسرو صدا و هتل گرفتن‌ها و خرج‌های زیاد، کار آن طاغوتی‌ها بود. اخیراً در روزنامه هم موردی را نوشته بودند، که چه قدر خوب کردند که نوشتند؛ تا مردم بفهمند که این کارها زشت است. ماها همیشه در خانه‌های خودمان - یک اتاق، دو اتاق - عقد و عروسی می‌گرفتیم. اگر هم نداشتیم، از همسایه قرض می‌گرفتیم. مقداری شیرینی و میوه چیده می‌شد؛ می‌گفتم، می‌خندیدیم، شوخی می‌کردیم؛ خیلی هم خوش می‌گذشت. البته آن طاغوت‌ها و آدم‌های بدی که بحمدالله ازاله شدند، این‌طور برگزار نمی‌کردند. آن‌ها به این وضع قانع نبودند؛ در آن هتل‌ها می‌رفتند و میهمانی‌های پُرخرج و چنین و چنان برپا می‌کردند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۴/۲۰).	- تجمل‌گرایی و هزینه‌های گزاف از جیب مردم - تلذذ با پول و دارایی مردم	میهمانی‌های تجملاتی
۱۸	امریکایی‌ها هواپیماهای جنگی و بقیه ابزارهای خودشان را به ما می‌فروختند؛ ولی اجازه تعمیر آن‌ها را به ما نمی‌دادند. وقتی همین وسیله پرند به ایران می‌آمد، بعد از مدتی محتاج تعمیر می‌شد. شما خیال می‌کنید اینجا تعمیرگاه و کارگاه و امثال این‌ها داشتند؟ ابداً. آن قطعه‌ای که خراب شده بود و آن را از داخل هواپیما بیرون آورده بودند - چون قطعه‌های بزرگی وجود دارد که گاهی مرکب از دهها قطعه است - اجازه نمی‌دادند که در اینجا باز شود و روی آن تعمیری صورت گیرد. با هواپیما به امریکا می‌بردند و آن را با قطعه‌ای جدید عوض می‌کردند و مجدداً به ایران بازمی‌گرداندند! با این ملت، این‌گونه رفتار کرده بودند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲).	- سد راه رشد علمی و استعدادیابی داخلی - تبدیل کردن ایران به هدفی برای مصرف‌گرایی بدون رشد علمی	ضعف شدید علمی
۱۹	ملت ایران باید از اعماق دل به دو سلسله پادشاهی پهلوی و قاجار، لعنت بفرستد که این دو سلسله خبیث، دو بال مملکت و پیکره عظیم این ملت کهن، با هوش و با استعداد را بریدند. نه علم و نه کار، هیچ کدام را برای این ملت فراهم نکردند. کاری که بود، کارهای بی‌ارزش یا کم‌ارزش بود. علمی که بود، علم تقلیدی و دست دوم بود. آن کاری را که از دل می‌جوشد و حقیقتاً پوشش و حلیه حیات می‌بخشد و کارهای اساسی در مملکت صورت می‌دهد، ترویج نکردند. هرچه توانستند، قلع و قمع هم کردند و بساط علمی را که از دل می‌جوشد و در آن ابتکار هست، برچیدند (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۲/۱۳).	- تزلزل علمی ایران در دوران پهلوی - تزلزل وضعیت اشتغال در دوران پهلوی - مشغول کردن ملت و استعدادها به کارهای کم‌ارزش - علم تقلیدی در دوران پهلوی	بریده شدن دو بال علم و کار

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
۲۰	اموالی که در اختیار محمدرضا قرار داشت، بالغ بر میلیاردها دلار می‌شد که در امریکا سرمایه‌گذاری کرده بود. هیچ‌جا سابقه ندارد که آن همه ثروت را که متعلق به ملت ایران بود، در حساب‌های محمدرضا و کسانش در امریکا، نگه‌دارند. حتی یک ریالش را به مردم ایران ندادند و نگه داشتند و هنوز هم پیش آن‌هاست. هنوز هم طلب ملت ایران از رژیم امریکا، میلیاردها دلار است. آن‌ها اموالی را که دولت ایران در گذشته خریداری کرده بود؛ پولش از کیسه ملت ایران پرداخته شده بود و ملت به آن‌ها احتیاج داشت، نگه داشتند. هنوز هم در انبارهای خودشان نگه داشته‌اند و تا امروز هم تحویل دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران نداده‌اند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۸/۱۱).	- غارت سرمایه‌های مردم توسط سردمداران رژیم - سرمایه‌گذاری شخصیت‌های رژیم در کشورهای بیگانه - بیت‌المال در حساب شخصی افراد	غارت اموال مردم
۲۱	در پنجاه سال آخر قبل از انقلاب، دو نفر در این مملکت حکومت کردند پدر و پسر که هر دو را بیگانگان بر سر کار آوردند. آن ضربه‌ای را که می‌خواستند به دین، به روحانیت، به سنت‌های قدیمی و ملی این کشور و به پایه‌های دینی و اعتقادی این کشور بزنند، به‌وسیله او زدند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲).	- تزلزل و ایجاد ضعف در ارزش‌های اسلامی با ابزار ملی‌گرایی - حذف روحانیت و نهادهای متولی دین	ضربه به فرهنگ و هویت ملی
۲۲	بر اثر تسلط سیاست‌های استعماری و استبدادی و سلطنت‌های موروثی خاندانی و حکومت‌های غاصب و جائر، در طول دو سه قرن، از قافله علم جهانی عقب ماندیم. یک کشوری که با توجه به استعداد خود، با توجه به زمینه‌های طبیعی و انسانی خود، با توجه به جایگاه جغرافیایی خود - که اگر به نقشه جهان نگاه کنید، توجه می‌کنید که ایران در چه نقطه حساسی قرار دارد - با توجه به ذخایر زیرزمینی خود، باید یکی از پیشرفته‌ترین و یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیا باشد، در دوره حکومت‌های قاجاری و بعد پهلوی، تبدیل شد به حکومت عقب‌افتاده دست‌نشانده فقیر ضعیف توسری‌خور (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۹).	- نابودی و تزلزل استعدادها بومی و توسل به بیگانه - عقب‌افتادگی علمی در دوران رژیم پهلوی - ایران ضعیف و وابسته به‌جای ایران قوی و مقتدر	عقب‌افتادگی ملت ایران
۲۳	یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه‌دانشتن اقوام گوناگون؛ گرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، این‌ها را بیگانه حساب می‌کردند. در عملکرد آن‌ها هم این معنا مشهود بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۲/۲۲).	- دیگرانگاری اقوام در رژیم پهلوی - تلاش برای بیگانه‌سازی اقوام با ایران	بیگانه‌دانشتن اقوام گوناگون
۲۴	یک روزی بود که بیشترین منابع این کشور در مناطق مخصوصی که تعلق خاصی داشت به قدرتمندان آن روز و به دربار آن روز، صرف می‌شد؛ بسیاری از استان‌ها و شهرها هم از منابع عمومی کشور هیچ حظ و بهره‌ای نداشتند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۲).	- بی‌عدالتی در توزیع منابع عمومی - منابع عمده کشور در اختیار صاحبان قدرت و ثروت	نبود عدالت توزیعی
۲۵	ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم‌ارزش و بی‌فایده غربی تبدیل کردند؛ ابزارهای بنجل و چیزهای زیادی و غیر لازم را با پول‌های	- واردات کالاهای کم‌ارزش و غیرضروری	تبدیل ایران به انبار کالاهای وارداتی کم‌ارزش غربی

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	کلان خریدند! کشاورزی این کشور را که یک روز به‌کلی خودکفا بود، به‌کلی نابود کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۶).	- سوق‌دادن مردم به مصرف کالاهای بیگانه - نابودسازی کشاورزی با واردات کالاهای بیگانه	
۲۶	اندکی قبل از حکومت پهلوی و بعد، شدت‌ش در دوران حکومت پهلوی، چیزی به نام تجدد وارد کشور شد، که این را به‌عنوان یک تحوّل در زندگی ملت ایران به‌حساب می‌آوردند؛ این تحوّل نبود، این استحاله ملت ایران بود، هویت ملت ایران را از او سلب کرده بود؛ یعنی درواقع ملت ایران، هویت دینی خود، هویت ملی خود، هویت تاریخی عمیق خود را در این تجدد از دست داد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۳/۱۴).	- استحاله فکری ملت ایران با کلیدواژه تجدد - سلب هویت ملت ایران و جایگزین کردن هویت بیگانه - از دست‌رفتن هویت دینی و تاریخی	استحاله فکری
۲۷	افکار مارکسیستی در دانشگاه ترویج می‌شد. این‌جور نبود که به‌طورعادی [رایج شود]؛ نه، کمک می‌کردند؛ کمک می‌کردند برای مقابله با افکار اسلامی در دانشگاه. همان وقتی که یک جزوه چندصفحه‌ای اسلامی اگر دست کسی دیده می‌شد، مورد تعقیب و اشکال بود، همان‌وقت نوشته‌های مارکسیستی، راحت در دانشگاه تولید می‌شد و فروش می‌رفت؛ دست دانشجوها بود و هیچ اهمیتی هم نداشت؛ استاد چپ هم می‌آمد حرف‌هایش را می‌زد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۳۱).	- ترویج افکار چپ و مارکسیستی - تقابل نظام پهلوی با افکار و اندیشه و مبانی اسلامی - تحت تعقیب بودن کتاب‌ها و مباحث اسلامی - آزادی نشر کتاب‌ها و رسائل افکار ضاله	حمایت از افکار غیر اسلامی
۲۸	یکی از بزرگ‌ترین مسئولیت‌های رضاخان، برچیدن بساط روحانیت برای نابودکردن دین بود؛ بنابراین به‌مجرد اینکه قدرت پیدا کرد، در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ شروع به برچیدن بساط روحانیت کرد. بر اثر سختگیری‌های قبیلی، دستگاه محمدرضا همان سیاست را با شکل‌های دیگری پیش گرفت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۸/۱۰).	- تلاش نظام سلطه برای تزلزل و نابودی حوزه و نهاد روحانیت - ضدیت و تقابل رژیم پهلوی با نهاد حوزه - تلاش رژیم استبدادی برای ناکارآمدکردن نهاد روحانیت	قلع‌وقمع روحانیت
۲۹	اوّل خواستند حوزه را تعطیل کنند؛ دیدند نمی‌شود. اوّل این‌گونه شروع کردند. چرا؟ چون می‌خواستند دانشگاه باشد و حوزه نباشد. سیاست دوم این بود که حوزه باشد، منتها حوزه‌ای که مطلقاً رابطه‌ای با دانشگاه برقرار نکند و بر اساس بدبینی به دانشگاه و هر دانش و فناوری جدید پیش برود. این از یک طرف. از طرف دیگر هم، تا آنجا که می‌توانند با تبلیغات و روش‌های گوناگون، دانشگاه را ضدّ حوزه، ضدّ دین و ضد روحانیت بار بیاورند. واقعاً از لحاظ تبلیغاتی، روحانیت و علم دین را در محیط‌های دانشجویی و محیط علمی جدید، بمباران کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۹/۲۷).	- تعطیل کردن نهاد حوزه - خواست اولیه نظام سلطه - جداسازی و افتراق بین حوزه و دانشگاه - پیرایش نهاد دانشگاه از اخلاق اسلامی - تربیت نیروهای ضد حوزه و روحانیت در فضای دانشگاه	جداسازی حوزه و دانشگاه
۳۰	در ایران، سلاطین و سلسله‌های پادشاهی در دوره‌های اخیر، می‌خواستند از ارتش به‌عنوان یک منبع قدرتمند ملی استفاده اختصاصی کنند؛ لذا، شما می‌دیدید و خود من هم در یکی از	- ارتش مردمی و ملی تابع - خواسته‌های شخصی	ارتش در خدمت منافع رژیم

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	پادگان‌های تهران، در اوایل انقلاب، دیدم شعاری که آن بالا زده بودند این بود «ارتش برای شخص شاه است، نه برای ملت و مرزها و آرمان‌های ملی.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۱/۳۰).	- جدایی ارتش از آرمان‌های اسلامی و ملی	
۳۱	در رژیم گذشته، آن چند سالی که مستشاران نظامی آمریکا در کشور ما بودند، با اینکه مزدور و کارمند و حقوق‌بگیر دولت ایران بودند، در عین حال در موارد زیادی، بر تمام ارکان نظامی و حتی غیر نظامی دولت حاکمیت داشتند و آقایی و فساد می‌کردند و جان و مال و ناموس مردم آنجایی که این‌ها حضور داشتند، در اختیارشان بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۵/۲۴).	- مستشاران آمریکایی مزدبگیران بیت‌المال ایران - دخالت در امور داخلی کشور توسط مستشاران - اختیار مطلق و مصونیت مستشاران آمریکایی	حاکمیت مستشاران نظامی آمریکا بر ارکان دولت
۳۲	استعمارگران و کسانی که می‌خواستند بر این کشور سلطه سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و غیره پیدا کنند، دین را از محیط دانشگاه حذف کردند. راه پیدا کردن این سلطه این بود که دین را حذف کنند. اهل دین و علمای دین را حذف کنند. یا اگر به‌کل از بین نمی‌برند، آن را به صورت‌های بی‌جانی تبدیل کنند. رضاخان آمد قلدری و بی‌عقلی کرد و همان ظواهرش را هم خواست در سطح جامعه و بخصوص در محیط‌های علمی حذف کند. نیت این بود؛ لذا در محیط‌های دانشگاهی ما، دین یک‌چیز بیگانه شد. دانشگاه ما را این‌طور ساختند. یک‌چیز بیگانه؛ چرا؟ هدف بسیار روشن بود. برنامه بسیار زیرکانه‌ای بود. برای اینکه اگر دین در دانشگاه نباشد، آن کسانی که در این فضا پرورش پیدا می‌کنند، در آینده همان سردمداران و سر رشته‌داران زندگی هستند، که بی‌دین شده‌اند و به‌سهولت جامعه را به‌سمت بی‌دینی خواهند کشاند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۹/۲۴).	- تلاش نظام سلطه برای خنثی‌سازی دین - حذف دین از عرصه دانشگاه - حذف نهادهای متولی دین از عرصه‌های پرورشی چون دانشگاه	ناکارآمدسازی دین در فضای دانشگاه
۳۳	اساس نیروی انتظامی در دوران رژیم غیر مردمی و طاغوتی، برای حفظ امنیت طبقات ویژه بود و بقیه مردم هر چه بر سرشان می‌آمد، اهمیتی نداشت. امنیت، عبارت بود از امنیت خوانین و بزرگان و سرمایه‌داران منطقه و دیگران حتی از آن نداشتند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۴/۲۵).	- حفظ امنیت طبقات ویژه هدف تعریف‌شده نیروی انتظامی - بی‌ارزش بودن امنیت عمومی - نبود امنیت عمومی در برابر قدرتمندان	حفظ امنیت طبقات ویژه
۳۴	آمریکا مستکبرانه بر این کشور پهناور، بر این ملت بزرگ با این تاریخ غنی پنجه انداخته بود و در امور مهم و اساسی کشور ما دخالت می‌کرد. علت هم این بود که زمامداران کشور فاسد بودند، در ملت جایگاهی نداشتند، دنبال تکیه‌گاه می‌گشتند، به آمریکا تکیه می‌کردند. آمریکا هم که مفت به کسی چیزی نمی‌دهد؛ حمایت از آن‌ها را در گرو دخالت کامل در امور کشور قرار داده بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۸/۱۲).	- ایران رژیم پهلوی در اختیار اهداف نظام سلطه - دست‌اندازی نظام سلطه بر داشته‌ها و منافع ملت - دخالت نظام سلطه در امور داخلی و ملی	دخالت در امور داخلی کشور
۳۵	دستگاه قضای دوران طاغوت، با سیاست غلط و با مدیریت زشت و ناحق اداره می‌شد. آن روز کسانی در رأس قضا بودند که بویی از عدالت اسلامی نبرده بودند و ذره‌ای عواطف انسانی و صحیح	- رأس دستگاه قضا در دستان ناآشنا با عدالت	دستگاه قضایی در خدمت منافع رژیم

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	در آن‌ها وجود نداشت. کسانی که اولین پایه‌های دادگستری ایران را گذاشتند و کسانی که پایه‌های قدرت طاغوتی رضاخانی را مشید کردند، به جزایشان رسیدند؛ که «من اعان ظالمًا سلطه‌الله علیه». آن‌ها دستگاه قضا را در خدمت سلطنت پهلوی و در خدمت به اهداف خباثت‌آمیز و ظالمانه رضاخانی درست کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳).	- دستگاه قضایی در خدمت اهداف ظالمانه رژیم - اداره غلط و ناعادلانه دستگاه قضایی	
۳۶	در این شهر - شیراز - با آن سوابق مذهبی، با بُروز آن علما و روحانیونی که اشاره کردم و حرکتی که در طول سال‌های گذشته انجام داده بودند، از دو سو غلبه‌کردن بر ایمان دینی سرمایه‌گذاری شد: یک جریان ازسوی دربار طاغوت بود که از سال‌های اول دهه ۳۰ شروع شد و تا نزدیک پیروزی انقلاب به مدت بیست‌وچند سال ادامه داشت؛ با همه تلاششان در این زمینه فعالیت کردند و سعی کردند شیراز را با یک هویت صددرصد غربی‌شده به دنیا معرفی کنند. یک جریان دیگر که باز علیه دین و دین‌باوری و دین‌داری، بیشتر از بسیاری از شهرها در این شهر ترویج می‌شد، جریان الحاد مکتبی از سوی حزب توده‌ای بود که در اینجا لانه عمیقی داشتند و فعالیت عمیقی می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۱۱).	- تزلزل در عمق ایمان مردم - تلاش دربار برای بیگانه‌کردن مردم با ایمان دینی - تلاش جریان چپ برای حذف ایمان دینی	براندازی ایمان مردم
۳۷	من در آن رژیم دیده بودم که حتّی افسرهای ارشد، مورد اهانت قرار می‌گرفتند. یکی از فرماندهان معروف و از آن افراد خبیثِ خشن در سال ۴۲ در مشهد فرمانده بود. من هم در آن موقع زندانی بودم. ما را به آنجا بردند تا تحویل بدهند. او من را دید و به طرفم آمد. در آن‌وقت، این شخص سرتیپ بود و سرهنگ‌هایی دور و برش بودند. او آن‌چنان به این‌ها اهانت می‌کرد، که من تعجب کردم. آن‌هایی هم که مورد اهانت قرار می‌گرفتند، ظاهراً امتناعی نداشتند. در پایین‌ترها هم من دیده بودم که فحش می‌دادند، اهانت می‌کردند و بد می‌گفتند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲).	- تحقیر زیردستان - اهانت به زیردستان	رواج اهانت به زیردستان
۳۸	آن کسانی که آموزش و پرورش جدید را وارد کشور کردند، نه فقط نیششان متدین کردن مردم و جوان‌ها نبود، بلکه به‌عکس، نیششان دور کردن مردم از عقاید دینی بود. اگرچه که آن رژیم دعوی ملیت داشت، واقعاً هم دنبال ملیت می‌گشت؛ چون ایدئولوژی که نداشتند؛ ناچار بودند -وقتی ایدئولوژی کنار زده می‌شود، دین کنار زده می‌شود، یک جایگزین لازم دارد. این جایگزین را ملیت قرار داده بودند؛ مثل خیلی از کشورهای دیگر؛ لذا ملیت را دنبال می‌کردند - لکن آن ملیتی که دنبال می‌کردند، به‌معنای واقعی به‌معنای حفظ هویت ملی نبود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۵/۳).	- دور کردن مردم از دیانت، فلسفه آموزش و پرورش - ملی‌گرایی به‌جای اسلام‌گرایی - ملی‌گرایی کاذب سپری برای ناکارآمدسازی مبانی اسلامی	رویکرد ضد دینی مؤسسان آموزش و پرورش

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
۳۹	رضاخان در سال ۱۳۱۴ هنگامی که حرکت مردم و علما را دید، حرکت مردم را سرکوب کرد و علما را دستگیر نمود و واقعه مسجد گوهرشاد را پیش آورد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۴).	- سرکوب اعتراضات و خواسته‌های مردم و علما - ضرب و شتم و کشتار مخالفان	سرکوب حرکت مردم و علما
۴۰	ازجمله خصوصیات مهم رژیم طاغوت [پهلوی] بی‌اعتنائی به مردم بود؛ مردم به هیچ قیمت به حساب نمی‌آمدند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷).	- بی‌توجهی به جایگاه مردم - نبود مردم‌سالاری - شیء‌انگاری مردم	بی‌اعتنائی به مردم
۴۱	در دوره پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۳۱).	- نبود خودباوری و اعتماد به داشته‌های بومی - تحقیر و نداشتن اعتمادبه‌نفس	نبود خودباوری
۴۲	رژیم ستم‌شاهی سعی می‌کرد مردم را به تنبلی سوق دهد. در زبان نه؛ اما در عمل این‌گونه بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵).	- ایجاد نوعی تنبلی فکری و رفتاری در مردم - نابودی انگیزه در مردم	سستی و تنبلی در مردم
۴۳	در دورانی که برخی ملت‌های دیگر به‌سوی دانش و پژوهش و معرفت روی آورده بودند، ملت کهن و با استعداد ما در زیر سلطه آن انسان‌های پلید و خودپرست و زورگو و نااهل، از دانش و معرفت دور ماند و در دوره اخیر که حکومت دست‌نشانده و فاسد پهلوی همه کارها را برابر خواست بیگانگان و دشمنان این ملت و به زیان این ملت انجام می‌داد، نه تنها تلاشی برای ترویج کتاب و کتاب‌خوانی نشد، بلکه با ایجاد سرگرمی‌های ناسالم و دامن‌زدن به آتش غرایز جنسی در میان جوانان، این ضرورت فوری و فوری را هر چه بیشتر، از میدان دید و توجه مردم بیرون راندند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱۰/۴).	- استعداد ملت ایران زیر چکمه‌های استبدادی پهلوی - رکود و کاهش توجه به علم و مطالعه - تقریحات ناسالم و انحرافی به‌جای کتاب‌خوانی و علم‌آموزی	ضعف روحیه کتاب‌خوانی در ملت ایران
۴۴	حالا شما جوان‌ها که آن زمان را ندیدید. قدیمی‌ترها [می‌دانند]، از فیلیپین و از هند و مانند این‌ها برای ما دکتر می‌آمد. در روستاها و راه‌های دور نه، گاهی در شهرهای خیلی نزدیک، برای ما مثلاً از فیلیپین پزشک می‌آمد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۱/۲۹).	- ضعف در پزشکی و سلامت و بهداشت عمومی - اهتمام‌نداشتن به تربیت نیروهای داخلی	ضعف در سلامت و بهداشت
۴۵	حالا اگر معلمین یک کشوری تصمیم بگیرند که نقطه مقابل این عمل کنند؛ یعنی به‌جای انسان شجاع، انسان ترسو بسازند؛ به‌جای انسان مستقل، انسان توسری‌خور و ضعیف بسازند؛ به‌جای انسان عاشق میهن خود و مفاخر ملی خود، انسان دل‌بسته به بیگانگان بسازند؛ به‌جای انسان پاکدامن و پرهیزگار و مؤمن، انسان لاپبالی و بی‌ایمان و بی‌دین بسازند؛ به‌جای انسان‌های با استعداد و دارای اعتمادبه‌نفس و خودباور، انسان‌های بهت‌زده و دلباخته قدرت‌های علمی و غیر علمی دیگران بسازند، شما ببینید چه فاجعه‌ای در کشور رخ خواهد داد. طراحی نظام آموزشی کشور در دوران حاکمیت طواغیت - یعنی از دوران ایجاد آموزش و پرورش جدید	- تربیت نیروهای خودتحقیر - تربیت نیروهای وابسته به مرام و مبانی فرهنگ بیگانه	تربیت نیروهای بیگانه‌پرست

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	در زمان رضاخان - این نوع دوم بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲/۱۲).		
۴۶	آن روز کسانی دانشگاه را به‌وجود آوردند که به اصل دین و معنویت و اخلاق اعتقاد نداشتند؛ شیفته غرب و فریفته اخلاقیات غرب بودند؛ البته آن شیفتگی و فریفتگی، شکل عمومی‌اش بود؛ یک عده‌ای‌شان هم مزدور و مأمور غرب بودند. بنا بود این‌ها در داخل کشور طراحی و برنامه‌ریزی کنند که تسلطی را که به شکلی در دوران قاجار داشتند، در دوران پهلوی همان تسلط را و بیشترش را به شکل دیگر و آرام‌تری داشته باشند؛ تربیت یک نسل روشنفکر و درس‌خوانده و تحصیل‌کرده‌ای که غربی بیندیشد؛ ایرانی است، اما فرانسوی و انگلیسی و امریکایی فکر می‌کند؛ آرزوهایش، آرزوهای یک فرد امریکایی است؛ اقدام و عملش هم اقدام و عمل یک فرد امریکایی یا انگلیسی است؛ اگرچه ملیتش ایرانی است و ساکن ایران هم هست. آن‌ها تربیت یک چنین نسلی را دنبال می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۱۶).	- توجه به هویت فرهنگ غرب در فضای دانشگاه - نبود باور دینی مؤسسان و بانیان دانشگاه - تسلط کامل حکومت بر فضای علمی و تربیتی دانشگاه - تربیت نیروها و استعدادها - دلباخته مبانی غرب	اعتقادداشتن مؤسسان دانشگاه به اصل دین
۴۷	یک روز در کشور ما قرآن‌خوانی مهجور بود؛ گوشه‌ای در تهران یا در مشهد، کسی مثل آقای مولایی پیدا شود که عاشق قرآن باشد و زحمت بکشد و جلسه پشت جلسه برگزار کند، تا در طی سال‌هایتمادی تعدادی شاگرد را تربیت کند؛ آن‌وقت‌ها این‌طوری بود؛ این افراد در غرب بودند و در معرض، در علن و جلوی چشم و در تلویزیون نبودند. قرآن در جامعه ما در حکومت طاغوت محکوم بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۶/۲۶).	- همراهی نکردن و اهتمام‌نداشتن حکومت در برگزاری جلسات قرآنی - نبود برنامه‌های قرآنی در فضای تلویزیون - ضدیت با برنامه‌های مذهبی به اصول قرآنی	مهجوریت قرآن
۴۸	یک مواردی پیش می‌آید که خود این محمدرضاشاه طاغوتی، از دست امریکایی‌ها به‌شدت عصبانی است. به آن‌ها فحش هم می‌دهد، ناسزا هم می‌گوید؛ البته در اتاق خصوصی، با یاران نزدیکش؛ در اتاق خصوصی بدگویی هم می‌کند، اما در همان حال، اگر چنانچه سفیر انگلیس یا سفیر امریکا یک پیغامی می‌داد، یک تلفنی می‌کرد، یک دستوری می‌داد؛ این دست‌به‌سینه حاضر بود آن دستور را انجام بدهد؛ چاره‌ای نداشت؛ مجبور بود. وابستگی این است؛ این باید از بین برود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۷/۲۶).	- حکومت درست در اختیار منافع نظام سلطه - حکومت پهلوی کارگر نظام سلطه در ایران - برنامه‌ریزی با نظام سلطه و اجرائیات با رژیم پهلوی	وابستگی سیاسی
۴۹	پیش از انقلاب، تبلیغات رسمی و عمومی و همیشگی کشور ما، تبلیغاتی بود که مردم را به فحشا و هرزگی و عیاشی سوق می‌داد. حتی در نقاط فقیر و عقب‌افتاده - جاهایی که مردم به نان شب محتاج بودند - هم به‌نجوی برای عیاشی و هرزگی امکاناتی فراهم بود. این امر به‌طور عمد در محیط‌های جوان مثل دانشگاه‌ها و سربازخانه‌ها - نه آن مقداری که مقتضای طبیعی غریزه جوانی است - برای سرگرم‌کردن و فاسدشدن نسل، تشدید می‌شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۲/۶).	- تبلیغات رژیم برای انحراف نسل جوان - استعداد نسل جوان در مسیر غیر پیشرفت و توسعه - قیج‌شکنی و رایج‌کردن هرزگی و بی‌بندوباری	فاسدکردن نسل جوان

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
۵۰	پهلوی‌ها در این پنجاه سال قبل از انقلاب، بلایی بر سر کشور آوردند که قابل توصیف نیست؛ قدرتمندانی که هرچه بود، برای خوردن و استفاده خودشان و برای دورویی‌های خودشان و کاخ‌نشینان تهران می‌خواستند؛ یادشان نبود که شهرها و روستاهای محرومی هم در ایران هست. این کشور آباد و بااستعداد و پهناوری که می‌تواند دو برابر جمعیت فعلی ایران را هم به‌خوبی اداره کند - با این همه زمین و امکانات و معدن و آب و غیر ذلک - همین‌طور آن را رها کرده بودند و به ویرانی انداخته بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۰/۱۳).	- منابع ملی در اختیار نهادهای وابسته به رژیم پهلوی - استفاده نکردن صحیح از ظرفیت‌های داخلی کشور - ملت غائبان اصلی استفاده از بیت‌المال - تاراج منافع ملی توسط رژیم پهلوی	فراموش شدن شهرها و روستاهای محروم
۵۱	مسائل فرهنگ جدید و دانشگاه‌ها و امثال این‌ها به‌وجود آمد، هدف اول، باسواد کردن جوانان نبود. هدف اول، ساختن و پرداختن جوانان به شکلی بود که در جهت پیوستن هرچه سریع‌تر به قطب‌های استعمار و استکبار جهانی - یعنی در جهت نوکری - به دستگاه‌ها کمک کنند. در این دستگاه‌ها، آن‌کسی عزیزتر بود که نوکرتر باشد. فکر مستقل و آزاد و انسان سازنده مطلوب نبود؛ چون دولت‌ها، دولت‌هایی بودند که اساس کارشان بر وابستگی به بیگانه‌ها بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۱).	- اهتمام نداشتن رژیم به بالابردن سطح و کیفیت سواد - بی‌ارزش بودن تفکر مستقل و بومی و انسان‌ساز - وابستگی و دلباخته فرهنگ غربی اساس فعالیت بانیان دانشگاه	فراهم نبودن فرصت تحصیل برای جوانان
۵۲	وضع ایران قبل از پیروزی انقلاب، وضع خوبی نبود؛ مردم در حال بی‌تکلیفی، دشمنان مسلط، اینجا پایگاه اسرائیل و استراحتگاه سران رژیم صهیونیستی، که می‌آمدند می‌پردند، می‌خوردند و استفاده سیاسی و مالی می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۳۰).	- بی‌تکلیفی و سردرگمی، آورده رژیم برای ملت - ایران رژیم پهلوی، حیات‌خلوت نظام سلطه	همراهی با نظام سلطه
۵۳	قبل از انقلاب - جز دو سه دوره - مجلس مردمی در این کشور وجود نداشت. یکی دو دوره در اوایل، بعد هم یک دوره در وسط، مجلس مردمی و ملی بود. در همان مجالس ملی هم که مردم انتخاب می‌کردند، به سراغ فلان معلم یا فلان کارگر یا فلان روحانی که در شهری مشغول خدمتگزاری است - نه روحانیون خیلی نام و نشان‌دار - نمی‌رفتند؛ بلکه سراغ خوانین و اشراف‌زاده‌ها و شاهزاده‌ها می‌رفتند. به‌خاطر تربیت‌های غلطی که وجود داشت، حتی مردم هم آن‌ها را انتخاب می‌کردند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۳/۲۹).	- مجلس در اختیار اوامر رژیم پهلوی - نبود شأن و منزلت برای مجلس - فرمایشی بودن مجالس رژیم پهلوی	نبود مجلس مردمی
۵۴	از سال ۱۳۳۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، انگلیس و آمریکا بر سر چاه‌های نفت، و درواقع گنج نفت ایران نشستند و تا آنجا که توانستند، برداشتند و بردند. ملت ایران چگونه دلش با این‌ها صاف شود؟! رژیم پهلوی، سرسپرده انگلیس و آمریکا بود و محمدرضا، واقعاً مثل یک مأمور آمریکا در ایران عمل می‌کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۱۱/۱۴).	- نفت و منابع طبیعی کشور در اختیار نظام سلطه - رژیم پهلوی مأمور اجرای منویات نظام سلطه در ایران	استثمار منافع ملی توسط سلطه‌گران
۵۵	از خاطرات این ژنرال آمریکایی که در روزهای آخر عمر رژیم گذشته برای نجات رژیم به تهران آمده بود، نقل کردند؛ او می‌گوید من ژنرال‌های شاه را جمع کردم و به آن‌ها گفتم که لوله‌های	- نبود ارزش‌گذاری به جان و مال و ناموس ملت	کشتار بی‌رحمانه مردم

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	تفنگ‌ها را پایین بیاورید؛ پایین و به مردم بزنید؛ آن‌ها هم اینجا در این میدان انقلاب به این دستور عمل کردند؛ لوله‌های تفنگ را پایین آوردند، مردم را هدف قرار دادند، عده زیادی را به شهادت رساندند؛ ولی اثر نکرد، مردم عقب نرفتند، مردم ادامه دادند. بعد یکی از فرماندهان ارتش شاه - ارتشبد قره‌باغی - می‌آید پیش هایزر و می‌گوید این دستور تو فایده‌ای نداشت و مردم را نتوانست به عقب براند. هایزر در خاطراتش می‌نویسد که چقدر این‌ها تحلیل‌های کودکانه‌ای دارند! یعنی چه؟ یعنی [می‌گوید] توقع قره‌باغی این بود که با یکبار مردم را به رگبار بستن قضیه تمام می‌شود؛ نه، باید ادامه پیدا کند، باید هر جا با مردم مواجه می‌شوند، آن‌ها را قتل عام کنند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۱۸).	- حفظ رژیم با ضرب و شتم و کشتار مردم - حفظ نظام در سایه حذف مردم	
۵۶	رضاخان قلدر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سرزنه و همان قلدری قزاقی خودش! این چیزها را از غرب گرفتند! زن‌ها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر - چادر که برداشته شده بود - اگر روسری هم سرشان می‌کردند و مقداری جلوی چانه‌شان را می‌گرفتند، کتک می‌خوردند! چرا؟ برای اینکه در غرب، زن‌ها سربرهنه می‌آیند! این‌ها را از غرب آوردند. چیزی را که برای این ملت لازم بود، نیاوردند. علم که نیامد، تجربه که نیامد، جد و جهد و کوشش که نیامد، خطرپذیری که نیامد - هر ملتی بالاخره خصوصیات خوبی دارد - این‌ها را که نیاوردند. آنچه را هم که آوردند، بی‌دریغ قبول کردند. فکر و اندیشه را آوردند، اما بدون تحلیل قبول کردند؛ گفتند چون غربی است، باید قبول کرد. فرم لباس و غذا و حرف‌زدن و راه‌رفتن، چون غربی است، بایستی پذیرفت؛ جای برو برگرد ندارد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲/۱۲).	- ظاهرگرایی و اهتمام‌نداشتن به باطن مسائل مطروحه - حذف ظواهر و بواطن ملی و اخذ ظواهر بیگانه - توهم کشف حجاب به‌منظور پیشرفت و توسعه - جایگزینی آداب بیگانه به‌جای رسوم ملی و بومی	کشف اجباری حجاب
۵۷	اما این‌ها قبل از انقلاب گمنام‌تر بودند. آن کس که می‌خواست یک‌خرده برای خودش و برای علمش زندگی کند، گم بود؛ مگر آن کسی که می‌خواست یک کار مثلاً تملق‌آمیزی بکند و یک چیزی بگوید، او جلو می‌آمد؛ والا کسی که واقعاً می‌خواست در زندگی علمی خودش باشد، اصلاً کسی به او کمترین اعتنایی نمی‌کرد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵).	- نبود جایگاه و شأنیت برای دانشمندان و نخبگان داخلی - دانشمندان بومی در سخت‌ترین شرایط زندگی - بی‌توجهی نظام استبدادی به نخبگان بومی - روشنفکران غرب‌زده در رأس توجه نظام استبدادی	گمنامی دانشمندان کشور پیش از انقلاب اسلامی
۵۸	در دوره پهلوی یکی از رایج‌ترین تبلیغات، «نمی‌توانیم» بود. همه ما از بچگی این‌طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی مساوی است با نبودن، پست‌بودن و نامرغوب‌بودن؛ ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه‌ها. اصلاً این فرهنگ را	- ترویج شعار ما نمی‌توانیم. - القای عقب‌ماندگی ذاتی و فکری در ملت ایران - برتری‌دادن مطلق داشته‌های غربی بر داشته‌های بومی	خودتحقیری

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	در ذهن ملت ما نهاده‌ای نهاده بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۳۱).	- نهاده‌ای نهاده کردن خودتحقیری در فضای فکری و رفتاری ملت ایران	
۵۹	در بعضی از شهرها، به‌عنوان همان روش قدیم، حکام یک نفر را معین می‌کردند و می‌گذاشتند. در خیلی از شهرها، امام‌جمعه منصوب آن حکومت‌های طاغوت بود؛ مردم هم نمی‌رفتند و اعتنا هم نمی‌کردند. آن نماز جمعه‌ای که حاکم طاغوتی آن را بگذارد، برای مردم جذاب نیست و مردم هم نمی‌رفتند. گفتیم ما در سال‌های متمادی محروم بودیم از نماز جمعه (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴).	- نماز جمعه در راستای اهداف رژیم - انتصاب آخوندهای درباری - رژیم برای نماز جمعه - حضور کم‌رنگ مردم در نمازهای جمعه	محرومیت مردم ایران از نماز جمعه
۶۰	او در یک خانواده بی‌سواد لایبالی و دور از معارف دینی تربیت شده بود. اصلاً رضاخان کسی نبود که با دین سروکاری داشته باشد. مزاجش آماده معارضه با دین - آن‌هم به‌قصد براندازی - بود. در حقیقت رضاخان عاملی بود که انگلیسی‌ها او را وارد صحنه کردند تا نظام دینی را در ایران به هم بریزد. به همین خاطر در سال ۱۳۱۴ شمسی گذاشتن عمامه و حضور روحانیت در جامعه را ممنوع کرد و نظام حوزه علمیه را به هم زد و روحانیت را مجبور به خانه‌نشینی کرد. زمانی که او رفت و پسرش - محمدرضا - بر سر کار آمد و بر امور مسلط شد، همین نیت را داشت و همین هدف و راه را - البته به شکل‌های مدرن‌تر و پیشرفته‌تر - دنبال کرد و تا روزی که انقلاب پیروز شد، در این زمینه جلو رفت (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۶/۱۴).	نبود شناخت مبانی و اصول اسلامی توسط رژیم پهلوی - مخالفت با حوزه‌های علمیه و روحانیت - انزوا و به‌هم‌ریختگی حوزه‌های علمیه و نظام دینی - ممنوعیت لباس یکی از ترفندهای رژیم برای حذف روحانیت	مخالفت با علما و روحانیت
۶۱	اول، سهم پادشاه بود و بعد هم به‌تدریج آن‌هایی که در حاشیه پادشاه قرار داشتند، هرکدام به‌قدر خودشان می‌بردند. استبدادهای قدیم این‌طور بود؛ البته شکل مدرن‌ترش در حکومت پهلوی بود؛ شکل قدیمی‌ترش را هم در کتاب‌ها، از قاجاریه و دوره ناصرالدین‌شاه و بقیه خوانده‌ایم (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۲۰).	- منابع ملی در اختیار اوامر و خواسته‌های رژیم استبدادی - قانع‌نبودن و تلاش برای استثمار منابع بیشتر - استثمار و تاراج منابع ملی توسط رژیم	منابع در اختیار پادشاه
۶۲	با نابودکردن کشاورزی ملی و وابسته‌کردن صنعت ناقص و معیوب، و بازداشتن دست بیگانگان حریص و نوکران دربار و غارت منابع نفتی و بذل و بخشش ثروت ملی به اربابان امریکایی و اروپایی و ویران‌کردن روستاها و تبدیل ایران به بازار کالاهای بی‌ارزش خارجی و پس‌مانده محصولات کشاورزی امریکا و برنامه‌های خائنانه دیگری از این قبیل، اقتصاد کشور را دچار انحطاط مزمن و وابسته به اراده قدرت‌های خارجی کرده و رگ حیات ملت را به دست دشمنان سپرده بود (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۱/۲۱).	- رگ حیاتی کشور در اختیار نظام سلطه - تخریب و ویرانی در روستاها و کشاورزی و مصرف‌گرایی کشور	نابودی کشاورزی ملی؛ زمینه‌ساز وابستگی اقتصاد کشور
۶۳	بدون ملاحظه خواست مردم، در این پنجاه و پنج سال، زمام امور کشور در دست انسان‌هایی قرار گرفت که نه به سرنوشت این	- منافع شخصی اولویت و منافع ملی در حاشیه و انزوا	نبود حکمرانی مردمی

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	ملت، نه به منافع این ملت، نه به عظمت و شکوه و عزت این کشور اعتنائی نداشتند و به منافع شخصی خود و منافع قدرت‌هایی که از آن‌ها حمایت می‌کردند، دلبسته بودند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۵/۱۲).	- بی‌اعتنائی به جایگاه و سرنوشت و اقتدار مردم و کشور	
۶۴	از وقتی که رژیم پهلوی بر سر کار آمد، انتخابات به معنای یک حرکت نمایشی محض تلقی شد؛ جز در یک برهه کوتاهی در دوران نهضت ملی، در بقیه این دوران، انتخابات نمایش محض بود. در آن برهه‌ای که بنده و امثالی که در سنین من هستند یادشان هست، همه می‌دانستند که انتخابات مطلقاً به معنای انتخاب مردم نیست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۲/۹).	- انتخابات نمایشی و فرمایشی در رژیم پهلوی - نادیده‌انگاری نقش و مشارکت مردم در انتخابات - تعیین افراد وابسته و خودباخته نظام استبدادی و سلطه	نمایشی بودن انتخابات
۶۵	ملت ما در بهترین فرصت‌های تاریخی، یعنی در دورانی که جهان، تازه به جاده دانش و صنعت قدم نهاده بود و ایران می‌توانست با بیداری و تحرک مناسب، سهم خود را در پیشرفت علمی و صنعتی بشریت ایفا کند و از نتایج آن بهره‌مند شود، در اسارت حکام ظالم و مستبد و بی‌خبر و وابسته، از قافله عقب ماند. پادشاهان پهلوی و قاجار، به جای سازندگی کشور و زنده‌کردن استعدادهای خدادادی بشری و طبیعی آن، ایران را به خارجیان سوداگر و چپاولگر فروختند و منابع را به غارت بیگانگان دادند و یا راکد و معطل گذاردند و استعدادهای انسانی را به هدر دادند و به جای مصلحت ملت، مصالح دولت‌ها و کمپانی‌های خارجی را مقصد خود ساختند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۱۰).	- عقب‌افتادگی از فرصت‌های علمی و صنعتی - چپاول منافع ملی به جای رشد و توسعه و فرصت‌سازی برای استعدادهای - اولویت‌دهی منافع نظام سلطه و استبداد بر منافع ملی و مردم - فرصت‌سوزی نظام استبدادی	هدررفت فرصت‌های تاریخی پیشرفت
۶۶	زن، در جامعه خودباخته نظام پلید پادشاهی، حقیقتاً و از همه جوانب مظلوم بود. اگر زن می‌خواست وارد مقوله علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می‌زد. کاری کرده بودند که در این مملکت، کسب علم برای زن‌ها غالباً ممکن نمی‌شد. موارد استثنایی را کاری ندارم. به‌طور غالب، رفتن زنان به وادی علم میسر نمی‌شد؛ مگر با برداشتن حجاب و منصرف‌شدن از تقوا و وقار اسلامی! در میدان سیاست و در زمینه فعالیت‌های اجتماعی هم همین‌طور بود. اگر زنی می‌خواست منصبی از مناصب اجتماعی و سیاسی را در ایران دوران پادشاهی دارا باشد، باید قید حجاب و عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را می‌زد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶).	- ظلم و تعدی به مقام و کرامت زن - حذف دیانت و عفت برای حضور در مجامع علمی - عدول از کرامت زن برای دستیابی به علم و دانشگاه - گذر از وقار و کرامت اسلامی برای رسیدن به مطامع ناچیز سیاسی	کلایی شدن جنس زن
۶۷	دولت انگلیس آمد حکومت پهلوی‌ها را در ایران به‌وجود آورد؛ رضاخان را انتخاب کردند، از یک مرکز فرودستی او را بالا کشیدند، به سلطنت کشور رساندند و سلطنت او را در کشور به‌صورت یک قانون درآوردند و همه امور را به‌دست او دادند و او هم در مشقت خودشان و در اختیار خودشان بود. در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۲۹۹-۱۹۱۹ میلادی اتفاق افتاد که بر طبق این قرارداد،	- نقش دولت‌های بیگانه در قدرت‌یابی نظام‌های استبدادی - قانون‌گذاری بیگانه در داخل کشور و محول‌کردن امور به نظام شاهنشاهی	نشانه‌های ذلت ایران در ۲۰۰ سال گذشته

ردیف	متن	مضمون‌های پایه	مضمون‌های فراگیر
	اقتصاد کشور به دست بیگانه می افتاد و سیاست کشور و اقتصاد کشور یکباره در اختیار دشمنان ایران قرار می گرفت (آیت الله خامنه ای، ۱۳۹۱/۳/۱۴).	- تحمیل کردن قراردادهای ننگین به ایران - تصمیم گیری قدرت های سلطه گر درباره امور جاری و سیاست خارجی ایران - نادیده انگاری حقوق یک ملت توسط استبداد و نظام سلطه	
۶۸	در رأس قدرت، بی عدالتی مطلق بود. هرچه از رأس قدرت پایین تر می آمدیم، این بی عدالتی هم پایین تر می آمد و گسترش پیدا می کرد. هر کس در آن نظام دستش می رسید که به دیگری ظلم کند، ظلم می کرد (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۶/۱/۱).	- ظلم و تعدی سیستمی به مردم و منافع ملی - بی عدالتی مطلق در نظام استبدادی	ظلم نظام مند در رژیم پهلوی
۶۹	[زبان فارسی] قبل از انقلاب بر اثر تنگ نظری و نادانی و بی سوادی مسئولان کشور در دوره اواخر قاجار تا آخر زمان محمدرضا پهلوی، زبان و ادبیات فارسی انحطاط پیدا کرد. با اینکه ما در همین دوره، انصافاً شخصیت های خوب ادبی، شاعر و نویسنده بزرگ هم داشتیم، لیکن از لحاظ گسترش سیاسی و از لحاظ قدر و قیمت بین المللی، در پایین ترین وضعیت قرار گرفتیم. علت هم این بود که در مهد زبان فارسی - یعنی ایران - کسانی که متصدیان امور بودند، از زبان فارسی تبری می جستند! این نهایت انحطاط است (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۲/۲۳).	- تنگ نظری و نادانی زمینه ساز تنزل جایگاه زبان فارسی - دلباختگی به زبان و فرهنگ بیگانه و کم توجهی به زبان فارسی	تزلزل جایگاه زبان فارسی
۷۰	آن حکومت، اولاً فاسد بود؛ فساد مالی داشتند؛ فساد اخلاقی داشتند؛ فساد اداری داشتند. در فساد مالی شان همین بس که خود شاه و خانواده او در بیشتر معاملات اقتصادی کلان این کشور داخل می شدند. خود او و برادران و خواهرانش، جزو کسانی بودند که بیشترین ثروت اندوزی شخصی را کردند. از لحاظ مسائل اخلاقی و جنسی، چیزهایی هست که گفتن و شنیدنش عرق شرم بر پیشانی انسان می آورد. از لحاظ فساد اداری هم رو به تباهی بودند. در مدیریت ها، صلاحیت ها را رعایت نمی کردند؛ وابستگی های به خودشان و دستورات سرویس های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه را ملاک قرار می دادند و کسانی را سر کار می آوردند (آیت الله خامنه ای، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).	- نظام استبدادی در منجانب فساد اخلاقی - نظام استبدادی در باتلاق فساد اداری - ساختارمند شدن فساد مالی در نظام استبدادی	فساد مالی، اداری و اخلاقی

تبدیل مضمون‌های پایه و فراگیر به مضمون‌های سازمان دهنده

در این قسمت از تحلیل مضامین، تلاش می شود تا مضمون‌های فراگیر استخراج شده از مضمون‌های پایه، به مضمون‌های سازمان دهنده تبدیل شود و در ادامه شبکه مضمون‌ها ترسیم خواهد شد.

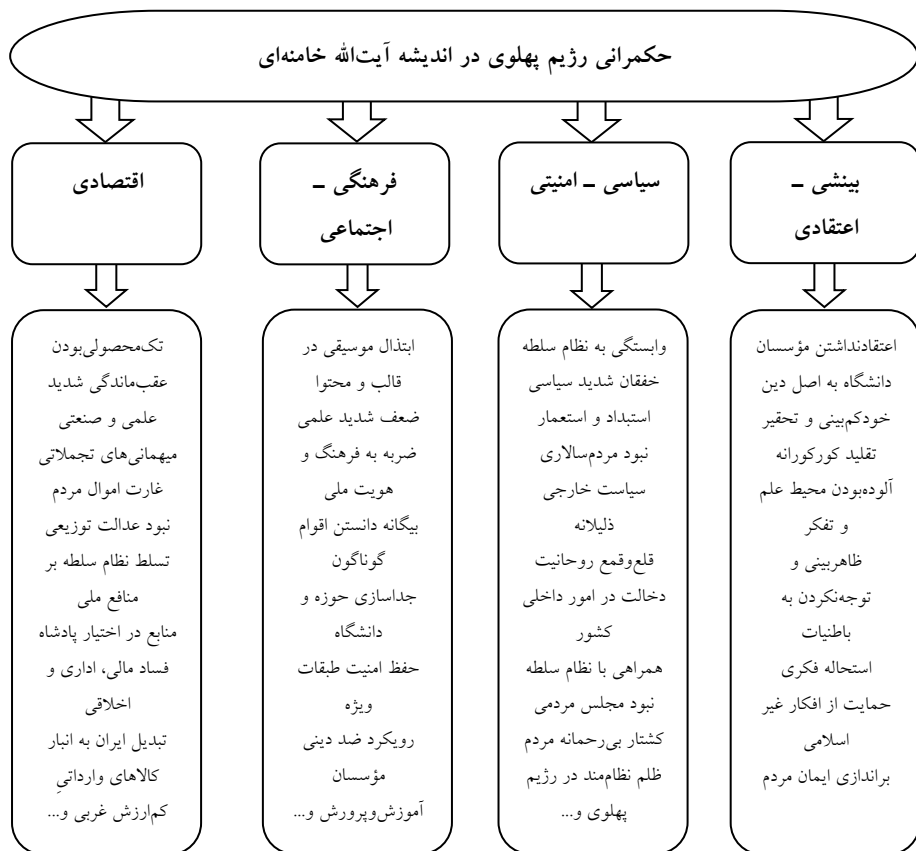
جدول ۲. تبدیل مضمون‌های پایه و فراگیر به مضمون‌های سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱	اعتقادداشتن مؤسسان دانشگاه به اصل دین	رویکرد بیشی - اعتقادی
۲	خودکم‌بینی و تحقیر	
۳	تقلید کورکورانه	
۴	آلوده‌بودن محیط علم و تفکر	
۵	ظاهر‌بینی و عدم توجه به باطنیات	
۶	استحاله فکری	
۷	حمایت از افکار غیر اسلامی	
۸	براندازی ایمان مردم	
۹	ابتذال موسیقی در قالب و محتوا	رویکرد فرهنگی - اجتماعی
۱۰	بریده‌شدن دو بال علم و کار	
۱۱	ضعف شدید علمی	
۱۲	ضربه به فرهنگ و هویت ملی	
۱۳	بیگانه‌دانستن اقوام گوناگون	
۱۴	جداسازی حوزه و دانشگاه	
۱۵	ناکارآمدسازی دین در فضای دانشگاه	
۱۶	حفظ امنیت طبقات ویژه	
۱۷	دستگاه قضایی در خدمت منافع رژیم	
۱۸	رواج اهانت به زیردستان	
۱۹	رویکرد ضد دینی مؤسسان آموزش و پرورش	
۲۰	سستی و تنبلی در مردم	
۲۱	ضعف روحیه کتاب‌خوانی در ملت	
۲۲	تربیت نیروهای بیگانه‌پرست	
۲۳	مهجوریت قرآن	
۲۴	فاسدکردن نسل جوان	
۲۵	فراهم‌نبودن فرصت تحصیل برای جوانان	
۲۶	تزلزل جایگاه زبان فارسی	
۲۷	محرومیت مردم از نماز جمعه	
۲۸	هدررفت فرصت‌های تاریخی پیشرفت	
۲۹	کشف اجباری حجاب	
۳۰	گمنامی دانشمندان کشور پیش از انقلاب اسلامی	
۳۱	کالایی‌شدن جنس زن	رویکرد سیاسی - امنیتی
۳۲	وابستگی به نظام سلطه	
۳۳	فرمان‌بر اوامر نظام سلطه	
۳۴	خفقان شدید سیاسی	
۳۵	استبداد و استعمار	
۳۶	سیاست خارجی ذلیلانه	

ردیف	مضمون‌های فراگیر	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۳۷	وابستگی در کنار استبداد داخلی	
۳۸	بی‌اعتنایی به جایگاه ملت	
۳۹	عقب‌افتادگی ملت ایران	
۴۰	قلع و قمع روحانیت	
۴۱	ارتش در خدمت منافع رژیم	
۴۲	حاکمیت مستشاران نظامی امریکا بر ارکان دولت	
۴۳	دخالت در امور داخلی کشور	
۴۴	همراهی با نظام سلطه	
۴۵	نبود مجلس مردمی	
۴۶	کشتار بی‌رحمانه مردم	
۴۷	نمایشی بودن انتخابات	
۴۸	نشانه‌های ذلت ایران در ۲۰۰ سال گذشته	
۴۹	ظلم نظام‌مند در رژیم پهلوی	
۵۰	تک‌محصولی بودن	رویکرد اقتصادی
۵۱	عقب‌ماندگی شدید علمی و صنعتی	
۵۲	میهمانی‌های تجملاتی	
۵۳	غارت اموال مردم	
۵۴	نبود عدالت توزیعی	
۵۵	تبدیل ایران به انبار کالاهای وارداتی کم‌ارزش غربی	
۵۶	فراموش شدن شهرها و روستاهای محروم	
۵۷	استثمار منافع ملی توسط سلطه‌گران	
۵۸	منابع در اختیار پادشاه	
۵۹	نابودی کشاورزی ملی؛ زمینه‌ساز وابستگی اقتصاد کشور	
۶۰	فساد مالی، اداری و اخلاقی	

کشف و ترسیم شبکه مضامین

در این بخش، ضمن ارائه شبکه مضامین معایب حکمرانی رژیم پهلوی، شناسه‌های مستخرج از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



شکل ۲. شیوه حکمرانی رژیم پهلوی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (منبع: الگوی محقق ساخته)

داده‌های کمی مضمون‌های اولیه و مضمون‌های فراگیر

در زمینه تبدیل مضمون‌های اولیه به مضمون‌های فراگیر، از طریق دسته‌بندی موضوعی ۳۲۱

مضمون اولیه، ۷۵ مضمون فراگیر استخراج شد که داده‌های کمی آن‌ها به قرار زیر است:

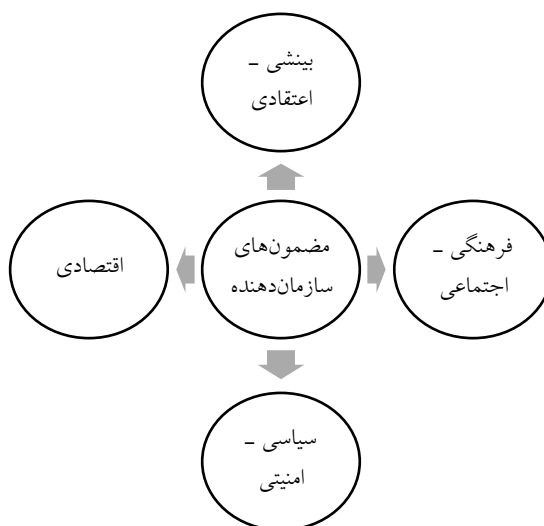
جدول ۳. داده‌های کمی مضمون‌های اولیه و مضمون‌های فراگیر

ردیف	مضمون‌های فراگیر	تعداد	درصد
۱	وابستگی به نظام	۸	۲/۴۹
۲	ابتدال موسیقی	۳	۰/۳۹۳
۳	تک‌محصولی‌بودن	۳	۰/۳۹۳
۴	فرمان‌بر اوامر نظام سلطه	۳	۰/۳۹۳
۵	خفقان شدید سیاسی	۲	۰/۶۲
۶	استبداد و استعمار	۳	۰/۳۹۳
۷	عقب‌ماندگی علمی	۳	۰/۳۹۳
۸	نبود مردم‌سالاری	۵	۱/۵۵
۹	سیاست خارجی ذلیلانه	۵	۱/۵۵
۱۰	تقلید در ظواهر	۵	۱/۵۵
۱۱	خودکم‌بینی	۴	۱/۲۴
۱۲	تقلید کورکورانه از غرب	۴	۱/۲۴
۱۳	وابستگی در کنار استبداد داخلی	۱۰	۳/۱۱
۱۴	آلودگی فضای علم و تفکر	۳	۰/۳۹۳
۱۵	ظاہر‌بینی و بی‌توجهی به باطن	۴	۱/۲۴
۱۶	بی‌اعتنائی به ملت	۳	۰/۳۹۳
۱۷	برگزاری مهمانی‌های تجملاتی	۲	۰/۶۲
۱۸	ضعف شدید علمی	۲	۰/۶۲
۱۹	بریده‌شدن دو بال علم و کار	۲	۰/۶۲
۲۰	غارت اموال مردم	۴	۱/۲۴
۲۱	ضربه به فرهنگ و هویت ملی	۳	۰/۳۹۳
۲۲	عقب‌افتادگی ملت	۴	۱/۲۴
۲۳	بیگانه‌دانستن اقوام	۲	۰/۶۲
۲۴	نبود عدالت توزیعی	۲	۰/۶۲
۲۵	تبدیل ایران به انبار کالای وارداتی	۳	۰/۳۹۳
۲۶	استحاله فکری	۳	۰/۳۹۳
۲۷	حمایت از افکار غیر اسلامی	۴	۱/۲۴
۲۸	تسلط نظام سلطه بر منافع ملی	۲	۰/۶۲
۲۹	قلم‌و‌قمع روحانیت	۴	۱/۲۴
۳۰	جداسازی حوزه و دانشگاه	۴	۱/۲۴
۳۱	ارتش در خدمت منافع رژیم	۲	۰/۶۲
۳۲	توسری‌خور بودن ملت ایران	۲	۰/۶۲

ردیف	مضمون‌های فراگیر	تعداد	درصد
۳۳	حاکمیت مستشاران نظامی امریکا بر ارکان دولت	۳	۰/۳۹۳
۳۴	ناکارآمدسازی دین در فضای دانشگاه	۵	۱/۵۵
۳۵	حفظ امنیت طبقات ویژه	۳	۰/۳۹۳
۳۶	دخالت در امور داخلی کشور	۴	۱/۲۴
۳۷	دستگاه قضایی در خدمت منافع رژیم طاغوت	۳	۰/۳۹۳
۳۸	براندازی ایمان مردم	۴	۱/۲۴
۳۹	رواج اهانت به زیردستان در ارتش دوران پهلوی	۳	۰/۳۹۳
۴۰	رویکرد ضد دینی مؤسسان آموزش و پرورش	۳	۰/۳۹۳
۴۱	سرکوب حرکت مردم و علما	۲	۰/۶۲
۴۲	بی‌اعتنایی به مردم	۳	۰/۳۹۳
۴۳	نبود خودباوری	۲	۰/۶۲
۴۴	سستی و تنبلی در مردم	۲	۰/۶۲
۴۵	شروع وابستگی کشور از اواخر دوران قاجار و ادامه آن در حکومت پهلوی	۴	۱/۲۴
۴۶	ضعف روحیه کتاب‌خوانی در ملت ایران	۴	۱/۲۴
۴۷	ضعف در سلامت و بهداشت	۳	۰/۳۹۳
۴۸	تربیت نیروهای بیگانه‌پرست	۳	۰/۳۹۳
۴۹	اعتقادداشتن مؤسسان دانشگاه به اصل دین	۴	۱/۲۴
۵۰	مهجوریت قرآن	۴	۱/۲۴
۵۱	وابستگی سیاسی	۳	۰/۳۹۳
۵۲	فاسدکردن نسل جوان	۴	۱/۲۴
۵۳	فراموش شدن شهرها و روستاهای محروم	۴	۱/۲۴
۵۴	فراهم‌نبودن فرصت تحصیل برای جوانان	۴	۱/۲۴
۵۵	همراهی با نظام سلطه	۲	۰/۶۲
۵۶	نبود مجلس مردمی	۳	۰/۳۹۳
۵۷	استثمار منافع ملی توسط سلطه‌گران	۲	۰/۶۲
۵۸	کشتار بی‌رحمانه مردم	۳	۰/۳۹۳
۵۹	کشف حجاب اجباری	۴	۱/۲۴
۶۰	گمنامی دانشمندان کشور پیش از انقلاب اسلامی	۴	۱/۲۴
۶۱	خودتحقیری	۴	۱/۲۴
۶۲	محرومیت مردم ایران از نماز جمعه	۳	۰/۳۹۳
۶۳	مخالفت با علما و روحانیت	۴	۱/۲۴
۶۴	منابع در اختیار پادشاه	۳	۰/۳۹۳

ردیف	مضمون‌های فراگیر	تعداد	درصد
۶۵	نابودی کشاورزی ملی؛ زمینه‌ساز وابستگی اقتصاد کشور	۶	۱/۸۹
۶۶	نبود حاکمیت مردم	۴	۱/۲۴
۶۷	نمایشی‌بودن انتخابات	۴	۱/۲۴
۶۸	هدررفتن فرصت‌های تاریخی پیشرفت توسط حاکمان فاسد ایران	۴	۱/۲۴
۶۹	کالایی‌شدن جنس زن	۵	۱/۵۵
۷۰	نشانه‌های ذلت ایران در ۲۰۰ سال گذشته	۵	۱/۵۵
۷۱	ورود هروئین برای اولین بار در ایران توسط خود رژیم	۲	۰/۶۲
۷۲	همکاری آمریکا با رژیم پهلوی در سرکوب و شکنجه ملت	۲	۰/۶۲
۷۳	ظلم نظام‌مند در رژیم پهلوی	۳	۰/۳۹۳
۷۴	تزلزل جایگاه زبان فارسی	۳	۰/۳۹۳
۷۵	فساد مالی، اداری و اخلاقی	۳	۰/۳۹۳
جمع	۷۵	۳۲۱	۱۰۰

در زمینه تبدیل مضمون‌های فراگیر به مضمون‌های سازمان‌دهنده، چهار رویکرد فراگیر و مضمون سازمان‌دهنده استخراج شد. این چهار حوزه عبارت است از رویکرد بینشی - اعتقادی، رویکرد فرهنگی - اجتماعی، رویکرد سیاسی - امنیتی و رویکرد اقتصادی. برای استخراج مضمون‌های فراگیر، ۶۴ مضمون فراگیر دسته‌بندی و موضوع‌بندی شد. آمار کمی این فرایند به قرار زیر است:



در جدول ذیل، فراوانی داده‌ها در زمینه مضمون‌های فراگیر برای تبدیل به مضمون‌های سازمان‌دهنده ارائه می‌شود.

جدول ۴. داده‌های کمی مضمون‌های فراگیر و سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون‌های فراگیر	داده کمی	درصد
۱	رویکرد بینشی - اعتقادی	۸	۱۲/۵
۲	رویکرد فرهنگی - اجتماعی	۲۴	۳۷/۵
۳	رویکرد سیاسی - امنیتی	۲۰	۳۱/۲۵
۴	رویکرد اقتصادی	۱۲	۱۸/۷۵

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مباحث پیش‌گفته در چارچوب نظری و مفهومی پژوهش، حکمرانی مطلوب از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) آن است که مبانی و پایه‌های آن نشئت گرفته از ارزش‌ها و قوانین اسلامی باشد و انسان با پیروی از مبانی اسلامی، درصدد طرح‌ریزی حاکمیت به‌منظور زمینه‌سازی برای اداره جامعه و تأمین رفاه و سعادت دنیوی و اخروی باشد. بر اساس چنین پیش‌فرضی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به نقد و بررسی نوع حکمرانی و آسیب‌های شکل گرفته از تعبیر چنین حاکمیتی در تاریخ و بستر ایران پرداخته است.

بنا بر مفهوم‌سازی که از انواع حکمرانی در بخش مفهوم‌شناسی مقاله به‌عمل آمد، حکمرانی یکی از ضروریات وجودی دولت‌ها در بستر جغرافیایی است و نوع حکمرانی بر اساس نظریه و عملکرد حاکمان متفاوت است؛ از حکمرانی مطلوب که تمام تکالیف نهایی مربوط به حکمرانی و وضعیت مطلوب مردم در آن مراعات می‌شود، تا حکمرانی معیوب و بد که در آن حکمران بر اساس منافع شخصی خود تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند. یک نوع حکمرانی هم، حکمرانی اسلامی است که در آن سعادت مادی و معنوی انسان‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات مدنظر قرار می‌گیرد و خروجی آن، اجرای ارزش‌های انسانی است که رفاه مادی انسان‌ها در دنیا و سعادت ابدی آن‌ها در آخرت مدنظر تصمیمات و عملکردها قرار می‌گیرد. با توجه به مفهوم‌شناسی صورت گرفته از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که در این مقاله به‌عنوان متفکر و رهبر جهان اسلام بررسی شد، رژیم پهلوی دارای حکمرانی معیوب و شر بوده است که در بسترهای گوناگون تصمیم‌گیری، یعنی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نتوانسته است بر اساس رفاه مادی و سعادت دنیوی و اخروی مردم تصمیم‌گیری و اقدام

کند. بر اساس دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی)، در مرام حکمرانی رژیم پهلوی سود شخصی و وابستگی به نظام سلطه و ظهور نظام استبدادی و قائل نبودن شأن برای مردم معنا پیدا کرد و استقلال در ابعاد گوناگون آن، منافع ملی و جایگاه و شأن مردم و بسترسازی برای سعادت مادی و معنوی انسان‌ها جایگاه و محلی از اعراب نداشت. نویسنده در این مقاله تلاش کرد تا بر اساس الگوی محقق‌ساخته، وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی را بر اساس بیانات آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) در چهار الگوی بینشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی - امنیتی و اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در ابتدا تلاش شد تا مفاهیم و مطالب در زمینه وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی از متن بیانات آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) کشف و استخراج شود و در ادامه با کمک گرفتن از روش تحلیل مضمون و تقسیم‌بندی الگوی چهاروجهی به تحلیل گذاشته شود که به این صورت بوده است:

رویکرد بینشی - اعتقادی: در چارچوب بینشی - اعتقادی، حکمرانی نظام پهلوی برخلاف مبانی و اصول شناخته‌شده در ایران شکل گرفت و بر ملت اجرا شد. ایران به دین اسلام و هویت ایرانی مزین است؛ بنابراین باید بینش و اعتقاد و مبانی حاکم بر حکمرانی بر اساس بینش ملی و دینی شکل می‌گرفت، لکن در عمل و ظاهر ملی‌گرایی کاذب با درونمایه فرهنگ بیگانه بر هویت دینی سبقت گرفت و به‌نوعی در این رژیم ضدیت با هویت اسلامی نهادینه شد. بنا بر نظر آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) حکمرانی رژیم پهلوی در رویکرد بینشی - اعتقادی معیوب بود و به‌نوعی به‌جای خیر برای ملت سبب شر شد. بنا بر بیانات ایشان رژیم پهلوی به لحاظ بینشی - اعتقادی دارای معایبی مانند اعتقادداشتن مؤسسان دانشگاه به اصل دین، خودکم‌بینی و تحقیر، تقلید کورکورانه، آلوده‌بودن محیط علم و تفکر و مانند آن بود.

رویکرد فرهنگی - اجتماعی: در رویکرد فرهنگی - اجتماعی، حکمرانی فرهنگی و اجتماعی نظام پهلوی بر اساس هویت بومی و ایرانی شکل نگرفته است و داشته‌های نظام سلطه و بیگانه بر داشته‌های داخلی و بومی اولویت پیدا کرده، و به‌نوعی منابع خودی در مسیر خودتحقیری قدم گذاشته است و ریل‌گذاری حکمرانی فرهنگی و اجتماعی در مسیر فرهنگ بیگانه بوده است. در بعد فرهنگی - اجتماعی حکمرانی تعریف‌شده به معایبی چون ابتذال موسیقی در قالب و محتوا، ضعف شدید علمی، ضربه به فرهنگ و هویت ملی، بیگانه‌دانستن اقوام گوناگون، جداسازی حوزه و دانشگاه و مانند آن اشاره شد.

رویکرد سیاسی - امنیتی: در رویکرد سیاسی - امنیتی بر اساس داشته‌های بومی و ملی قرار است حکمرانی سیاسی به نفع سعادت دنیا و آخرت مردم تعریف و اجرایی شود، لکن آنچه از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر می‌آید، نظام حکمرانی سیاسی رژیم پهلوی در این زمینه با توجه به آسیب‌هایی که در قسمت سیاسی - امنیتی بحث شد، معیوب بود و نتوانست بر اساس مبانی نهفته در کشور تعریف و عملیاتی شود. به لحاظ رویکرد سیاسی - امنیتی نیز رژیم پهلوی با آسیب‌هایی چون وابستگی به نظام سلطه، خفقان شدید سیاسی، استبداد و استعمار، نبود مردم‌سالاری، سیاست خارجی ذلیلانه، قلع‌و‌قمع روحانیت، دخالت در امور داخلی کشور و... همراه بود.

رویکرد اقتصادی: بنا بر اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حکمرانی اقتصادی یکی دیگر از عرصه‌هایی است که رژیم پهلوی نتوانسته است موفق ظاهر شود و به دلیل استبداد شدید و نبود تربیت نیروهای متخصص داخلی برای رشد اقتصادی و وابستگی شدید اقتصادی و تک‌محصولی بودن و مصرف‌گرایی شدید دچار پسرفت اقتصادی شده است. در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) حاکمیت تعریف‌شده در نظام پهلوی از لحاظ اقتصادی نیز آسیب‌های ریشه‌ای داشت که مواردی چون تک‌محصولی بودن، عقب‌ماندگی شدید علمی و صنعتی، میهمانی‌های تجملاتی، غارت اموال مردم، نبود عدالت توزیعی، تسلط نظام سلطه بر منافع ملی و... را شامل می‌شد.

در مجموع، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) حکمرانی تعریف‌شده در نظام پهلوی، حکمرانی وابسته به نظام سلطه بود که به نوعی مجری مبانی و خواسته‌های نظام سلطه در ایران بود. حکمرانی نظام پهلوی بر اساس ترسیم‌گری‌های نظام سلطه و متناسب با هویت ظاهری و باطنی غرب تعریف شده بود که نتایج این حکمرانی عقب‌افتادگی کشور و نبود رفاه و عدالت برای مردم و به نوعی نادیده انگاری هویت ملی و مردم و توجه صرف به خواسته‌های نظام استبدادی و نظام سلطه بوده است.

پیشنهادهای

- برگزاری نشست‌های تخصصی در زمینه وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی و تبدیل خروجی نشست‌ها به صورت ویدئوهای کوتاه و یا فیلم‌های مستند به منظور آگاهی بخشی مردم برای جلوگیری از بدفهمی درباره حکمرانی رژیم پهلوی

- بررسی شخصیت‌های تراز اول نظام استبدادی، تحت عنوان زندگی‌نامه، به منظور شفاف‌سازی وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی

- تعریف عناوین گوناگون پژوهشی درباره وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی و مستندسازی آثار با توجه به خاطرات و روایت‌های درباریان
- ارائه تصویر شفاف و مستند به روایت‌های درباریان درباره وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی به منظور تطهیرزدایی از رژیم پهلوی
- هدایت کردن استادان علوم سیاسی به سمت پژوهش درباره وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی
- اهتمام ویژه به اسناد ساواک و تحلیل وضعیت حکمرانی رژیم پهلوی با توجه به این اسناد

فهرست منابع

- امام خامنه‌ای، سید علی، **بیانات**، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری. قابل بازیابی در: Leader.ir
- احمدی، فیروزه؛ مشهدی، علی و عطریان، فرامرز (۱۴۰۰). تحول در مفهوم حکمرانی؛ گذار از حکمرانی سنتی به حکمرانی مدرن الکترونیک، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای**، ۲(۲): ۳۴-۴۷.
- امینی، سید جواد؛ خلیلی باصری، محسن و محمدی، سید محمود (۱۳۹۹). تبیین منظومه (اعتقادی / رفتاری) سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی به‌عنوان حکمرانی اسلامی، **حکمرانی متعالی**، ۱(۱): ۱۶۰-۱۲۹.
- درخشه، جلال و همکاران (۱۳۹۴). تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، **جستارهای سیاسی معاصر**، ۶(۷۲): ۱۷-۵۳.
- رحیمی عماد، سیدرضا (۱۳۹۱). بررسی نظریه حکمرانی خوب در شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران، **مطالعه موردی: حکومت پهلوی در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سواری، محمدجواد؛ توانا، حمید و ابری، محمدجواد (۱۴۰۰). ویژگی‌های حکمران تراز دولت اسلامی از منظر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، **حکمرانی متعالی**، ۲(۵): ۹۷-۱۲۲.
- صمدی میارکلائی، حمزه و صمدی میارکلائی، حسین (۱۴۰۱). حکمرانی حکیمانه، **حکمرانی متعالی**، ۳(۱۲): ۳۳-۷۶.
- صبری، سواره (۱۴۰۲). بررسی علل فروپاشی حکومت‌ها و ارتباط آن با نوع حکمرانی (مورد مطالعه: سقوط محمدرضا شاه پهلوی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی، مرکز پیام نور مراغه.
- عالی، محمدباقر؛ غضنفری، مهدی؛ پورصادق، ناصر و پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چپستی حکمرانی)، **حکمرانی متعالی**، ۵(۱۸): ۶۳-۸۹.
- علائی، حسین (۱۴۰۳). تفاوت‌های حکمرانی مطلوب با حکمرانی معیوب، **مطالعات بین‌المللی**، ۲۰(۴): ۱۸۳-۲۰۰.
- فرزندی، عباسعلی و عارفی، خلیل (۱۴۰۳). انطباق مبانی حکمرانی رهبری با مبانی حکمرانی علوی، **حکمرانی متعالی**، سال پنجم، شماره ۱۸، ص ۹-۳۷.
- قربانی، سعید و طاهرخانی، فاطمه (۱۴۰۰). واکاوی موانع عرفی‌شدن حکومت دینی در افکار و باور آیت‌الله مطهری با استفاده از روش تحلیل مضمون، **مطالعات انقلاب اسلامی**، ۱۸(۶۷): ۲۰۵-۲۳۲.

- قربانی، سعید و یوسفی، بتول (۱۴۰۲). موانع عرفی‌شدن نظام سیاسی در اسلام بر اساس اندیشه آیت‌الله جوادی آملی با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۴(۱): ۱-۳۰.
- قربانی، سعید (۱۴۰۳). زمینه‌های عرفی‌شدن نظام اسلامی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۳۰(۱۳۰): ۸۸-۱۱۴.
- قربانی، سعید (۱۴۰۳). تحلیل مضمون بحران‌های سیاسی - فرهنگی پیش روی حوزه علمیه در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، *گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی*، ۳(۴): ۸۸-۱۱۸.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی، *سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲): ۱۸۹-۲۰۸.
- مرشدی زاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، *آینده‌پژوهی ایران*، ۲(۳): ۱۲۵-۱۴۰.
- موسوی جشنی، سید صدرالدین و قمریان، ناهید (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی جایگاه حکمران در اندیشه شهاب‌الدین سهروردی و امام خمینی(ره)، *پژوهشنامه متین*، ۲۴(۹۷): ۱۰۳-۱۲۹.
- نقیبی مفرد، حسام (۱۳۹۵). صلح، عدالت و دموکراسی در پرتو حکمرانی مطلوب، *حقوق بشر*، ۱۱(۱): ۹۱-۱۰۸.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

